

# عراق

منبع: فیگارو، ۱۰ آوریل ۲۰۰۴  
(۲۲ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: دلفین مینویی

ایران از نفوذ خود برای برقراری آرامش استفاده خواهد کرد

۱. به گفته کمال خرازی، ایران از نفوذ فراوانی در جامعه شیعه عراق برخوردار می‌باشد و از همین نفوذ به منظور آرام کردن اوضاع در عراق استفاده خواهد کرد.
۲. ایران همواره مخالف دخالت نیروهای اشغالگر در عراق است. این احساس ضداشغالگری یا ضدامریکایی در هنگام سقوط دشمن مرگبار ایران یعنی صدام حسین نیز دچار تغییر شد.
۳. پس از سوءقصد به جان محمدباقر حکیم و جان باختن وی، رابطه میان شیعیان عراق و ایران دچار پیچیدگی گردید. محمدباقر حکیم به

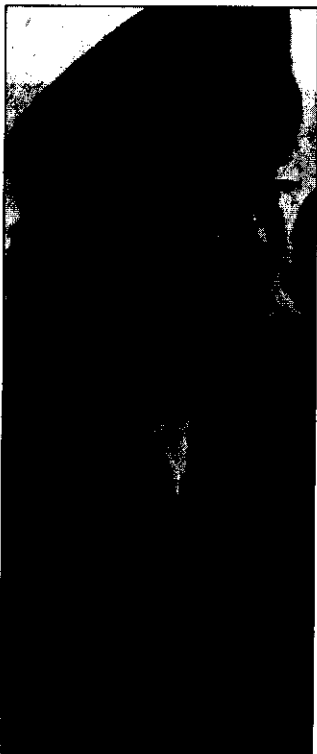
به‌خصوص آیت‌الله حائری از قم حمایت می‌شود.

۴. اگر به نفوذ تهران در ناآرامی‌های شیعیان عراق برسیم، معهذاً هنوز تعدد مراکز تصمیم‌گیری ایران را نشانخته‌ایم.
۵. ایران مخالف خشونت در عراق است، زیرا اولین کشوری بود که شورای حکام را به رسمیت شناخت، روابط تجاری با عراق برقرار نمود، با اعضای شورای حکام نظیر جلال طالبانی، احمد چلبی، ابراهیم الجعفری (حزب الدعوه) و عبدالعزیز حکیم رابطه نزدیک برقرار نمود. همچنین بی‌ثباتی روزافزون عراق مانع بازگشت مهاجران عراقی از ایران به کشورشان شده است و آخر این که برخی از زوار ایرانی در درگیری‌های امریکایی‌ها با مقتدی صدر کشته شده‌اند.
۶. آتش در خانه همسایه، به خانه خودمان هم سرایت می‌کند.

خوانندگان عزیز، آنچه پیش رو دارید، مهم‌ترین خبرها و تحلیل‌های راهبردی است که از ترجمه مطبوعات دنیا گزینش، تلخیص و یا روح‌یابی شده است. گفتنی است بخش اصلی این خبرها و تحلیل‌ها را محور "ایران - عراق - امریکا" به خود اختصاص داده است.

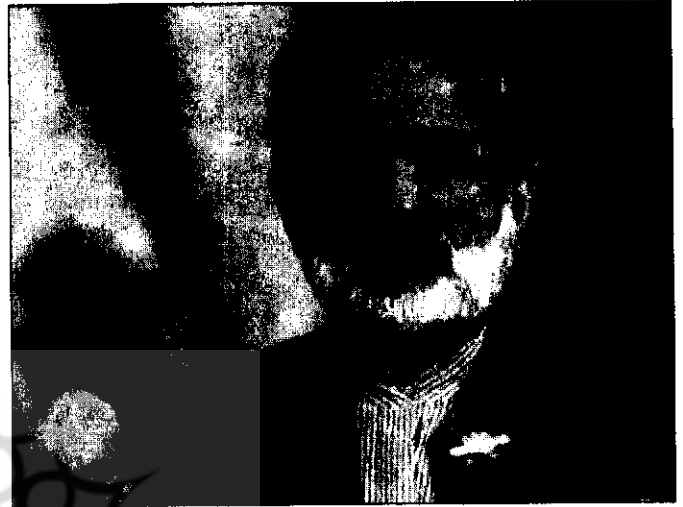
## دردسر روحانیون

۱. از یک سو سقوط صدام و زمین گیر شدن سربازهای امریکایی باعث خوشحالی ایران و از سوی دیگر بحران در عراق موجب دردسر برای ایران شده است.
۲. هرچند مقتدی صدر طرفدار ولایت فقیه است، ولی مطبوعات محافظه‌کار از ذکر فعالیت‌های وی خودداری می‌کنند.
۳. عقاب‌های واشنگتن مقتدی صدر را متهم می‌کنند که از جانب ایران



مقتدی صدر

منزله پل ارتباطی میان شیعیان ایران و عراق بود و درحقیقت تهران پس از ۱۳ سال تبعید محمدباقر حکیم در ایران قصد داشت وی را جایگزین صدام به عنوان رهبر سیاسی و معنوی نماید. ۴. توقف غنی سازی اورانیوم حرکتی است که نشان از میل شدید



دکتر کمال خرازی



مقتدی صدر

تهران دارد تا در تیررس امریکا قرار نگیرد.

منبع: کوریره دلا سرا، ۷ آوریل ۲۰۰۴ (۱۹ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: پاولو کونتی

### ایران و عراق: کنش و واکنش تاریخ و جغرافیا

۱. ایران قصد دارد تا از طریق نفوذش بر تمام گروه‌ها و سازمان‌های عراقی (نه تنها فقط گروه‌های شیعه مذهب) ایالت‌متحده آمریکا را - که ایران را در سطوح سیاسی، اقتصادی و هسته‌ای مورد هدف قرار داده - تحت فشار قرار دهد.

۲. عراق زبه سیاسی ایران در خاورمیانه است، سرنوشت عراق و روند آتی آن وضعیت سیاسی ایران را مشخص خواهد کرد.

منبع: الشرق، ۷ آوریل ۲۰۰۴ (۱۹ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: یوسف عزیزی

### آخرین ایستگاه

۱. امریکایی‌ها تسلیم تشکیل حکومت عراق توسط شیعیان شده‌اند. پس مقاومت نظامی شیعیان به نفع آنها نیست.

۲. درحالی‌که شیعیان لبنان از مقتدی صدر و هوادارانش حمایت می‌کنند، ولی حکومت ایران درقبال صدر و تحرکاتش سکوت سنگینی را انتخاب نموده است.

۳. مقتدی صدر روحانی جوان و کم‌تجربه درواقع نماد یک نافرمانی درون شیعیان است، که حتی مراجع شیعه را تهدید می‌کند.

۴. اگر صدر در برابر امریکا مقاومت طولانی کند و یا امریکا با اشتباه خود و شهیدکردن وی او را قهرمان کند، بحران در عراق عمیق‌تر شده و دامنه آن به همه عراق و همین‌طور لبنان نیز سرایت می‌کند. حال اگر این گرفتاری‌ها و بحران‌ها روی دهد، شیعیان مصیبت‌های بدتر از صدام خواهند داشت.

منبع: السفير، ۷ آوریل ۲۰۰۴ (۱۹ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: ساطع نورالدین

### ایران به امریکا اعلان جنگ داده

است

۱. در روز ۸ آوریل ۲۰۰۳ خادم الحسینی حائری یک روز پس از سقوط حکومت صدام در عراق طی نامه‌ای دست‌نویس به تجفہ مقتدی صدر را به عنوان نماینده تام‌الاختیار خود برگزیده بود. وی همچنین فتوایی به این مضمون صادر کرد که مردم عراق در برابر تبلیغات شیطان بزرگ مقاومت کنند.

۲. نویسنده معتقد است از همان روزهای ابتدای سقوط صدام، ایران برای ایجاد یک انقلاب اسلامی و مبارزه با امریکا دست به کار شده و تاکنون به آن ادامه داده، وی می‌افزاید: نافرمانی‌های فعلی مقتدی صدر ناشی از دستورات تهران می‌باشد که این دستورات از طریق آیت‌الله حائری به وی دیکته می‌شود.

منبع: ورلدنت دیلی، ۵ آوریل ۲۰۰۴ (۱۷ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: جوزف فرح

### چشم‌اندازی برای برون‌رفت از بحران عراق

۱. در عراق از یک‌طرف امکان جنگ داخلی میان شیعیان و از طرفی مقابله بخش عظیمی از شیعیان با اشغالگران رو به فزونی نهاده است. به این مقابله، بایستی مقاومت سنی‌ها، تروریست‌ها و عوامل عرب خارجی را نیز افزود.

۲. گستاخی بوش به مشکل بزرگی تبدیل شده و صحنه مضحکی را در عراق به‌وجود آورده است و تا زمانی که جمعیت‌های مختلف عراق و دنیا

نیروهای خارجی مستقر در عراق را اشغالگر بنامند، متأسفانه چشم‌اندازی برای برون‌رفت از بحران عراق دیده نمی‌شود.

منبع: ال پانیس، ۷ آوریل ۲۰۰۴  
(۱۹ فروردین ۱۳۸۳)  
سرمقاله

### آنچه بوش نمی‌خواست

۱. بیان پل برمر که "مقتدی صدر خارج از قانون عمل کرده" به منزله اعترافی است به درماندگی، چرا که اعتماد بیشتر عراقی‌ها به قدرت اشغالگر و قوانین آن کم‌رنگ شده و حتی به شورای حکام (که دست‌نشانده امریکاست) نیز اعتماد چندانی ندارد.

۲. قیام اخیر یک قیام ملی نیست، بلکه عمدتاً از یک سو تضاد قدرت بین شیعیان را نشان می‌دهد و از سوی دیگر مبارزه قدرت بین شیعیان و اهل سنت می‌باشد.

۳. مبنای بحران‌های عراق عبارت است از: ناهماهنگی زندگی روزمره، ناکارآمدی قدرت‌های بیگانه و اشغالگر.

۴. برخی روزنامه‌های محلی قتل ۴ عضو یک شرکت امنیتی خصوصی امریکایی را (که وظایف نظامی را برعهده داشتند)، واکنشی به ترور شیخ یاسین می‌دانند.

منبع: فرانکفورتر روند شاو، ۶ آوریل ۲۰۰۴ (۱۸ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: کارل گروه

حمایت ایران و حزب‌الله از صدر  
۱. امریکا گمان می‌کند قصد و نیت صدر تشکیل یک حکومت تندرو شیعی به سبک حکومت تهران است که در این راه از حمایت حکومت تهران

و سپاه پاسداران (که در اداره ایران نقش مهمی دارد) و گروه تروریستی دست‌پرورده و دست‌نشانده تهران یعنی (حزب‌الله لبنان) برخوردار می‌باشد. این دو نهاد با پرداخت پول، تسلیحات و حمایت معنوی از صدر و هوادارانش حمایت می‌کند.

۲. رامسفلد گفت: اگر ژنرال جان ابی‌زید - فرمانده ارشد وزارت دفاع در عراق - درخواست نیرو نماید، این موضوع مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا ۱۳۰ هزار نیروی امریکایی مستقر در عراق افزایش یابد. "گفتنی است که این تعداد از نیروها پس از انتقال قدرت به ۱۵ هزار نفر تقلیل خواهد یافت.

۳. یک منبع نظامی عراق عنوان کرد که حکومت ایران نمی‌خواهد موفقیتی در عراق حاصل شود. وی افزود یک عراق دموکراتیک زنگ خطری برای روحانیون و حاکمان ایران است.

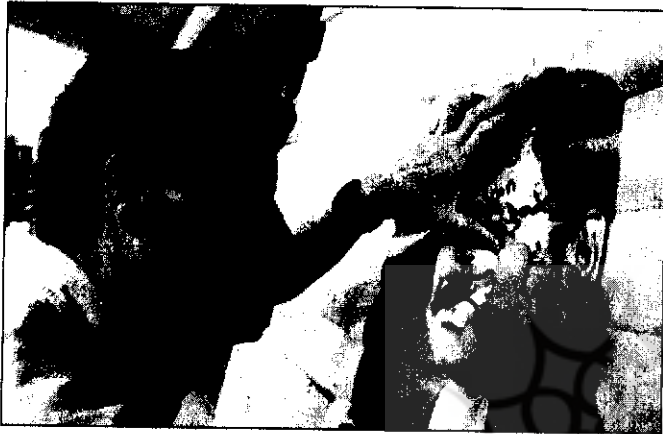
۴. به گفته حکومت موقت ائتلاف در بغداد، مقتدی صدر شورش به جرم قتل یک روحانی میانه‌رو شیعه (حجت‌الاسلام خوبی) از چند ماه قبل تحت تعقیب بوده است.

۵. نوع برخورد با صدر برای امریکایی‌ها به معمای بزرگی تبدیل شده است. در صورت بازداشت وی خشم گروه کوچک اما خشن او برافروخته خواهد شد و در صورت شهادت به یک قهرمان تبدیل خواهد شد.

۶. توماس مک ایترنی ژنرال بازنشسته نیروی هوایی امریکا در مورد نوع برخورد امریکاییان با صدر گفت: "ما نباید او را بکشیم، باید بگذاریم خود عراقی‌ها او را بکشند، اما شاید مجبور به کشتن وی بشویم. او سعی دارد مردم را به شورش تشویق نماید."

جان هیلن سروان سابق ارتش در جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس نیز گفت:

"اولین گام قبل از بازداشت صدر این است که او را بی‌آبرو و بی‌اعتبار کنیم و در این راه از انتقاد و محکومیت رهبران میانه‌روی شیعه بهره گیریم."  
۷. نیروهای امریکایی دیگر از جست‌وجوی خانه به خانه و خیابان به خیابان برای بازداشت شورشیان دست کشیده‌اند و برای بازداشت، مستقیماً به سراغ آنها می‌روند که به گفته



سروان هیلن، نظامیان امریکایی در این رابطه مطمئناً از طریق نیروهای امنیتی و اطلاعاتی، اطلاعات خوب و موثقی به دست آورده‌اند.

منبع: واشنگتن تایمز، ۷ آوریل ۲۰۰۴  
(۱۹ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: روان اسکار بورو

## پیدایش نیروی سوم در عراق

### و تعویق انتقال رهبری

۱. جناح رادیکال مسلمان شیعه که اکثریت جمعیت کشور عراق را به دست آورده‌اند، برای اولین بار درصدد به‌دست گرفتن زمام امور در ارگان‌های رهبری و قدرت عراق برآمده‌اند. این خواست آنها نه تنها توازن قدرت را در عراق تغییر داده، بلکه جریان انتقال قدرت توسط اشغالگران به مردم عراق را با خطر



روبه‌رو ساخته است.

۲. گروه مقتدی‌صدر به ظاهر برای پاسداری از سنت‌های مذهبی تشکیل شد. اما بعدها یعنی در پی تعطیل شدن روزنامه هوادارانش از سوی هیئت امریکایی و بازداشت یکی از دستیاران وی، با به‌دست گرفتن سلاح و با نام "لشکر المهدی" وارد میدان شدند.

۳. در پی تنش‌های اخیر در عراق ریچارد لوگار در مورد عملی شدن انتخابات در زمان مقرر ابراز تردید کرد. وی افزود: "انتقال قدرت در تاریخ ۳۰ ژوئن مانند "شبح" است." با این

حال در کاخ سفید، توصیه لوگار، رد شده و تعویق انتقال قدرت را به دور از مصلحت تعبیر کرده‌اند.

منبع: نزاویسیما یاگازتا، ۶ آوریل ۲۰۰۴  
(۱۸ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: آرتور یلینف

### حقایقی که باید با آنها

#### روبه‌رو شویم

آنتونی کوردزمن، بر این باور است که اگر اراده امریکایی‌ها درغالب فداکاری‌هایی که در عراق می‌کنند، امید به موفقیت عراقی‌ها در راهی که طی می‌کنند، با حمایت دو حزب امریکایی جمهوری خواه و دموکرات - برای بازسازی عراق - هم‌راستا شود، به شرطی که بپذیریم که تا یک سال دیگر منظری هولناک‌تر از قتل فجیع ۴ امریکایی (مأموران امنیتی - نظامی) در فلوجه را تحمل کنیم، امریکا شاهد پیروزی خود خواهد بود. گرچه این جنگ ناشی از غرق شدن در "فانتزی" محافظه‌کاران جدید و "ایده بیمارگونه بوش" برای بازسازی عراق به‌دست آمده است.

فانتزی از این بابت که گروهی تبعیدی ناشناخته و غیرمحبوب بناست که بر عراق حکومت کنند و ایده بیمارگونه از این بابت که بوش به‌جای این‌که بازسازی ملت ۲۶ میلیون نفری عراق - که سی سال دیکتاتوری و ۲۰ سال جنگ و تحریم را تحمل کرده - مدنظر داشته باشد، بیشتر چاه‌های نفت در شرف استعمال و غنی‌سازی را در برنامه خود قرار داده است. آنتونی کوردزمن به چالش‌های پیش روی امریکا در عراق می‌پردازد:

۱. مقامات دفاعی بلندپایه امریکا می‌گویند به همان میزان که شورشیان توسط نیروهای امریکایی کشته می‌شوند، رزمندگان جدیدی جایگزین آنها در صحنه نبرد می‌شوند.

۲. پیدایش نیروی نوظهور علیه امریکا که مرکب است از وفاداران حزب بعث، سنی‌های ضد امریکایی که جایگاه خود را بعد از صدام در خطر می‌بینند اسلام‌گرایان عراقی، مبارزین اسلام‌گرای بیگانه و همچنین دیگر داوطلبان.

۳. مقام‌های امنیتی اطلاعاتی امریکا هنوز به یک نقطه نظر مشترک نرسیده‌اند که آیا القاعده رهبری متمرکزی در عراق دارد، یا این‌که از راه دور شورش‌ها را به هسته‌های خود جوش در عراق واگذار نموده است.

۴. میانگین کشته شده‌های امریکایی در روز به بیش از ۱/۵ نفر و میانگین زخمی‌های امریکایی به ۶/۵ نفر در روز بالغ می‌گردد که با توجه به شورش‌های اخیر بیشتر شده است.

۵. کشته شدن ۱۰۱ نفر نظامی از متحدین امریکا در عراق، ۳۵۰ تن از نیروهای امنیتی عراق و بیش از ۱۵۰۰ غیرنظامی عراقی به انضمام کشتار دست‌جمعی شیعیان در روز عاشورا و کردها در روز عیدفطر که همه اینها آمار پس از سقوط صدام می‌باشد.

۶. بازسازی کند و فقدان امنیت به طوری که ایالات متحده قصد دارد بیش از صدهزار نیروی نظامی و امنیتی کنونی را (با احتمال افزایش آن) تا دگرگونی وضعیت امنیتی عراق حفظ نماید.

۷. در لبه پرتگاه قرار گرفتن آبروی امریکا در بین متحدان نظامی‌اش در عراق نظیر اسپانیا، ایتالیا، استرالیا، بریتانیا و لهستان که متأسفانه سرنوشت مشترکی با امریکا پیدا کرده‌اند، همچنین از دست دادن نفوذش در حوزه خلیج فارس که ۶۰ درصد ذخایر نفتی را داراست و سرانجام در خطر قرار گرفتن موقعیت استراتژیک امریکا در دیگر کشورهای امریکایی، تصمیم‌گیری برای امریکا را بسیار دشوار می‌سازد.

۸. فجایعی که امروزه در عراق رخ می‌دهد، بدتر از سهل‌انگاری در

پیشگیری از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ است.

۹. تلاش برای تشکیل ارتش و نیروی امنیتی نوین عراقی، هنوز به جایی نرسیده است؛ به طوری که از ۲۰۸ هزار نفر نیروی نظامی - امنیتی عراق تنها حداکثر ۲۹۰۰ نفر مأمور پلیس و ۳۲۰۰ عضو نیروی مسلح از آموزش کافی برخوردار شده‌اند. مشکل نفوذی‌ها در نهادهای امنیتی و فرار از ارتش نیز هنوز حل نشده است. با توجه به آمار فزاینده کشته‌ها و خوشحالی شورشیان در اطراف اجساد سوخته امریکایی‌ها، با این همه، در عراق هیچ جنگ ضد امریکایی وجود ندارد، بلکه جنگ حاضر برای تعیین آینده عراق می‌باشد. شورشیان کمتر از ۶۰ درصد جمعیت ۵ میلیونی (۲۰ درصدی) اهل سنت را تشکیل می‌دهند و نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که عراقی‌ها از جمله اهل سنت از شورشیان و اقدامات خشونت‌آمیز علیه آمریکا و یا بازگشت به رژیم گذشته و یا برقراری نظام اسلامگرای افراطی حمایت نمی‌کنند. بنابراین اقلیت شورشگر عراق با استفاده از تصاویر رسانه‌ای، جنگ روانی، با علم به انفجار در مادرید و خروج نیروهای اسپانیایی، تیرشدن عملیات نظامی آنها در روزنامه‌های جهان و اطمینان از عدم سانسور، واکنش سومالی و لبنان در برابر اشغالگران امریکایی، اوج مبارزات انتخاباتی در آمریکا و مختل کردن انتخابات عراق، سعی دارند میان مردم عراق تفرقه انداخته و دست به کشتار آنها در مراسم مذهبی زده و عملیاتی همانند شورش فلوجه را به نقطه ثقل عملیات خود بدل کنند. بنابراین ترک عراق به منزله پیروزی بزرگ افراطیون اسلام‌گرا در سراسر دنیا خواهد بود.

منبع: واشنگتن پست، ۴ آوریل ۲۰۰۴  
(۱۶ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: آنتونی گوردزمن

آیا ایران ناآرامی را دامن می‌زند؟

۱. اخیراً حمایت شیعیان عراق از اشغالگران امریکایی کاهش یافته است. رامسفلد علت این کاهش را مخالفت ایران با حضور امریکا می‌داند. اما وی افزود سندی بر این مدعا در دست نداریم.

۲. یک مقام بلندپایه اطلاعاتی امریکایی گفت: "ایرانی‌ها با هر گروهی ارتباط برقرار می‌کنند، دخالت می‌کنند، ولی آنها را تحریک نمی‌کنند."

۳. به نقل از یکی از اصلاح طلبان ایرانی "بیشتر ایرانیان، صدر را یک افراطی می‌دانند" و مایل نیستند وی بر عراق حاکم شود.

۴. عراق برای ایران به منزله یک شاهراه تجاری به خاورمیانه به شمار می‌آید که ده سال این شاهراه بر روی آنها بسته بود.

۵. منابع اطلاعاتی معتقدند زمانی که عراق حکومت را در دست گیرد. ایران به آنچه می‌خواهد دست خواهد یافت و آن همانا خروج نیروهای امریکایی از منطقه است.

منبع: تایم، ۱۹ آوریل ۲۰۰۴  
(۳۱ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: ماسیو کالابرسی، ناهید صیام  
دوست

ایران در خط مقدم

۱. حسین صادقی (رئیس هیئت میانجیگری در عراق) معتقد است سوء قصد به جان خلیل نعیمی احتمالاً مربوط به سفر هیئت ایرانی برای میانجیگری می‌باشد.

۲. پس از حضور ۲۵۰۰ نیروی امریکایی در اطراف نجف، صدر تصمیم گرفت نیروهای شبه نظامی خود را به یک نهضت سیاسی - اجتماعی تبدیل کند. در این باره علی شمشخانی (وزیر دفاع ایران) می‌گوید

بهتر است جایی برای زندگی شهروندی برای وی (صدر) در نظر گرفته شود.

۳. درگیری‌های پی‌درپی در عراق باعث خوشحالی حامیان ایرانی برقراری ارتباط با امریکا می‌باشد. هاشمی رفسنجانی طی سخنانی اعلام کرد: حال که امریکا در باتلاق عراق فرورفته، بهتر است از ماجراجویی پرهیز کند و راهی انتخاب کند که نه به عراقی‌ها و نه بر ما درد و رنج وارد نشود.

۴. حمله امریکایی‌ها به شهرهای مذهبی از جمله نجف به زبان امریکایی‌ها می‌باشد. با حمله آنها به شهرهای مذهبی، خشم شیعیان برافروخته خواهد شد و آنها را به سمت مقتدی صدر سوق خواهد داد.

منبع: فیکارو، ۱۶ آوریل ۲۰۰۴  
(۲۸ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: لور ماندویل

رهبران شیعه رویگردان می‌شوند  
اگر...

۱. گزارش‌های یک روزنامه معروف ورشو اشاره‌ای به ناآرامی‌های عراق داشته و می‌افزاید: "برای بازداشت صدر در شهر نجف نباید به زور متوسل شد" این روزنامه به نقل از یک مقام بلندپایه دیپلماتیک نوشت: اگر در شهر نجف دست به خشونت بزنیم، یک فاجعه ایجاد خواهد شد و رهبران اصلی شیعه از ما رویگردان می‌شوند." وی می‌افزاید: "اگر صدر دست از خشونت بردارد، ما حاضر به گفت‌وگو با وی هستیم. ما با هر کسی که به سوی ما نشانه نرود مذاکره می‌کنیم."

۲. در روز ۲۷ فروردین ۱۳۸۳، نیروهای لهستانی مورد کمین پیروان صدر قرار گرفتند. به نقل از مقامات لهستانی این غافلگیری به این علت بود که امریکا به‌عنوان رهبر ائتلاف،

آنها را در جریان درگیری‌های خونین قرار نداده بود. همچنین، "کنل رابرت استرنز لکی" سخنگوی نیروهای لهستان گفت: "آمریکا حتی ما را در جریان تعطیلی روزنامه صدر و بازداشت عناصر اصلی وی قرار نداده بود."

۳. "بیزی سزماید زینسکی" وزیر دفاع لهستان در اظهارنظری پیرامون ناآرامی‌های عراق عنوان کرد: "ما به نیروهای جدید در عراق نیاز نداریم، بلکه تنها به ابتکار جدید سیاسی نیازمندیم."

منبع: واشنگتن تایمز، ۱۶ آوریل ۲۰۰۴  
(۲۸ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: ویلیس ویتز

روحانیون قم از تنش‌های عراق  
نگران هستند

۱. پس از شکست اصلاحات در ایران، اما ندای میانه‌روی از قم نیز به گوش می‌رسد. حتی آیت‌الله حائری، استاد مقتدی صدر، از این جوان شورش‌ی فاصله گرفته است.

۲. محمدحسین حائری برادر آیت‌الله حائری که نقش سخنگوی وی را نیز برعهده دارد، می‌گوید: "ما از طرف خودمان حرف می‌زنیم و صدر نیز از طرف خودش. بسیاری فکر می‌کنند صدر از ما دستور می‌گیرد، در صورتی که چنین نیست."

۳. آیت‌الله حائری همیشه صدر را به پرهیز از خشونت دعوت می‌کرد، ولی حالا دیگر نمی‌تواند وی را بر سر عقل بیاورد. حال این وظیفه امریکایی‌ها است.

صدر در سخن همیشه آدم تندرویی بود، ولی در عمل هرگز. این امریکایی‌ها بودند که پس از بستن روزنامه‌اش او را مجبور به واکنش کردند. او می‌گوید: "شیعیان از امریکایی‌ها انتظار دیگری داشتند، هنگامی که آنها به‌عنوان نیروی رهایی‌بخش وارد خاک عراق



شدند، دیگر حق ندارند خودشان ظالم دوم شوند.

او هشدار داد که چنانچه امریکایی‌ها به اشتباه خود اصرار بورزند و در عراق به مدت زیادی بمانند، شیعیان بالاخره دست به جهاد خواهند زد، که در این صورت اوضاع بدتر می‌شود.

۴. برخلاف نظرات صدر، احمد جواهریان - کارمند بنیاد سیستانی در قم - نظر دیگری را بیان می‌کند. او معتقد است اگر امریکا عراق را ترک کند، عراق صحنه جنگ داخلی بر سر قدرت خواهد شد و افغانستان دیگری را شاهد خواهیم بود. این نظرات به روحانیون انقلاب اسلامی که از ارزش‌های رادیکال ابتدای انقلاب فاصله گرفته‌اند نیز سرایت کرده. یکی از روحانیون می‌گوید: "مقتدی صدر از یأس جوانان عراقی سوءاستفاده کرده و آنها را به شورش دعوت می‌کند. تنها کسی که می‌تواند دستورات مذهبی صادر نماید، آیت‌الله سیستانی است. صدر یک طلبه جوان است که هنوز تحصیلات حوزوی خود را به پایان نرسانده است."

منبع: فیگارو، ۱۶ آوریل ۲۰۰۴  
(۲۸ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: دلفین مینوبی

نفی و نیاز متقابل ایران و امریکا

۱. فرمول "نفی و نیاز متقابل" که رابطه ایران و امریکا را تبیین می‌کرد، اخیراً دستخوش تغییراتی شده و عنصر "نیاز متقابل" پررنگ‌تر از "نفی متقابل" گردیده است. چرا که امریکا به نفوذ ایران در مجلس اعلاای عراق، تیپ بدر، حزب الدعوة و مقتدی صدر که مقلد آیت‌الله حائری (ساکن قم) است، پی برده، به طوری که به گفته مایکل روبین (مشاور سابق پل برمر) انگلیسی‌ها با حضور خود در بصره، رابطه‌ای دوسویه بین ایران و پل برمر

برقرار نمودند.

۲. درخواست رسمی کمک از ایران موجب خوشحالی و به رسمیت شمردن نفوذ ایران در منطقه بین‌النهرین کهن گشته است.

آقای خرازی ضمن تأیید این درخواست، بر ادامه گردهمایی همسایگان عراقی که تاکنون پنج بار نشست داشته‌اند تأکید کرد، تا با استفاده آنها جلوی اشتباه‌های امریکا گرفته شود. شایان توجه است که چون قدرت در ایران یکپارچه نیست، ایران مواضع رسمی یکسانی نداشته است.

منبع: لوموند، ۱۶ آوریل ۲۰۰۴  
(۲۸ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: مونا نعیم

تغییر رژیم ایران لازمه امنیت در عراق

۱. مایکل لدین نویسنده کتاب "جنگ علیه اربابان ترور" و پژوهشگر مقیم در انستیتو امریکن اینتر پرایز، از برجسته‌ترین تئوریسین‌ها و ایندولوگ‌های محافظه‌کاران جدید امریکا به‌شمار می‌رود.

وی سال‌هاست که براندازی رژیم ایران را مطرح می‌کند و اکنون معتقد است که لازمه امنیت در عراق براندازی رژیم ایران می‌باشد. وی حتی حاکمیت امریکا را محافظه‌کار دانسته و پیشنهاد می‌کند که بوش نیز خط مشی رونالد ریگان - یعنی تغییر رژیم ایران - را در اولویت اهداف خود قرار دهد. وی با تعجب می‌گوید چگونه ممکن است اجازه دهیم جمهوری اسلامی "محور شرارت" عنوان نقش میانجیگری با مقتدی صدر رذل آدمکش را بازی کند. وی معتقد است با توجه به شواهد فراوان مبنی بر دخالت ایران در شورش‌های عراق، متأسفانه وزارت خارجه روند دیگری را طی می‌کند، به طوری که آدام ارلی معاون سخنگوی

وزارت خارجه می‌گوید: "ما گزارش‌هایی دایر بر دخالت، توطئه، تحریک و هماهنگی مربوط به ایران را مشاهده کرده‌ایم، اما به گمان من شواهد مسلم اندکی برای اثبات این موارد وجود دارد."

همچنین ریچارد آرمیتاژ معاون وزیر امورخارجه می‌گوید در ایران دموکراسی برقرار است.

اما مدارک و شواهدی که مایکل لدین در این مقاله به آن اشاره دارد عبارت است از: الف) سرویس اطلاعات نظامی ایتالیا مدتی است که از حضور مأموران نفوذی و مریبان نظامی ایران گزارش کرده است: آیت‌الله حائری کسی است که از سوی شخصیت‌های فوق محافظه‌کار ایران هدایت می‌شود تا شورش‌هایی در عراق راه‌اندازی شود. پیش‌بینی این سرویس نسبت به شورش‌های قریب الوقوع به واقعیت پیوست. ب) به استناد روزنامه الشرق الاوسط چاپ لندن و بنا به قول یک مأمور سابق سازمان اطلاعات ایران، ایران پیش از سقوط صدام، صدها نفر از عناصر اطلاعاتی خود را از طریق شمال عراق وارد آن کشور کرد. ج) اظهارات آشکار صدر مبنی بر این‌که شبه نظامیان وی بازوهای جنگنده حماس فلسطین و حزب‌الله جنوب لبنان هستند. د) جنگ در عراق یک جنگ منطقه‌ای است که متعصب‌های مذهبی ایران، غیرنظامیان رادیکال سوریه و حامیان عراقی صدام را متحد می‌سازد؛ به طوری که ابومصعب زرقاوی از رهبران القاعده که ضدشیمه می‌باشد عملیات صدر را تأیید نموده است.

مایکل لدین معتقد است با توجه به موارد یادشده، هیچ راهی جز براندازی رژیم ایران وجود ندارد. این براندازی نمی‌تواند از نوع نظامی باشد، بلکه باید اولاً نیروهای تحت ستم، دموکرات و اتحادیه‌های صنعتی را تقویت نمود. دوم آن‌که می‌بایست چند ایستگاه

رادیبویی و تلویزیونی مستقر در امریکا که به زبان فارسی پخش می‌شود، از طریق کمک‌های مالی بخش خصوصی تقویت گردند.

منبع: وال استریت ژورنال، ۱۶ آوریل ۲۰۰۴ (۲۸ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: مایکل لدین

از دانشجویان پیرو خط امام در ایران تا مقتدی صدر در عراق

۱. هرچند ایرانیان دوست دارند عراقی‌ها با مقاومت جانانه خود درس خوبی به امریکایی‌ها بدهند، ولی از هرج‌ومرج نیز نگران‌اند و خود را از جریان مقتدی صدر دور نگاه می‌دارند. در تأیید این مطلب، ژنرال جان ابی زید فرمانده کل نیروهای امریکایی می‌گوید: "در ایران کسانی هستند که تلاش دارند از نفوذ صدر جلوگیری نمایند." ۲. ایرانی‌ها، به قول احمد سلامتیان - کارشناس مسائل ایران - بر این باورند که جریان مقتدی صدر همانند جریان دانشجویان پیرو خط امام در ایران می‌باشند. این دانشجویان با تصرف سفارت امریکا برای مسئولین ایرانی در درس ایجاد کردند.

منبع: لیبراسیون، ۱۵ آوریل ۲۰۰۴  
(۲۷ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: ژان پیر پرن

ویژگی‌های مقتدی صدر و بن‌بست امریکا

۱. اگر واشنگتن نتواند مسئله رویارویی‌اش با صدر را حل نماید، آنگاه رئیس‌جمهور بوش متهم به جنگ‌طلبی خواهد شد و باید انتظار ظهور جمهوری اسلامی دیگری در عراق را داشته باشند. ۲. پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری آیت‌الله خمینی در سال ۱۹۷۹

با پیوند سه شاخصه اصلی انقلاب پذیرفت: ۱. ملی‌گرایی ۲. انقلاب اجتماعی ۳. وجود یک مرجع دینی. و امروز صدر با پیروی از الگوی انقلاب ایران، عراق را تحت‌الشعاع خود قرار داده، با این تفاوت که وی شاخصه سوم و عامل اصلی یعنی مرجعیت دینی - همان عاملی که ایران را از حکومت پادشاهی به حکومت مذهبی تبدیل کرد - را دارا نمی‌باشد. شهرت صدر پیش از تهاجم امریکا نیز نه از حوزه بلکه به دلیل عضوی از خانواده سرشناس و معروف روحانی در عراق ناشی می‌شد.

۳. عملکرد ضعیف امریکا در بهبود وضعیت اقتصادی و ایجاد امنیت در عراق به نقطه قوت صدر با پیام‌های اجتماعی - با عنوان رهایی مردم از فقر فرساینده‌ای که دولت‌های پیشین مسبب آن بودند و ایجاد امنیت - تبدیل شده است و این باعث افزایش پیروانش گشته است، به طوری که شبه‌نظامیان وی از اوت ۲۰۰۳ (مرداد ۸۲) تاکنون دوبرابر شده است. هواداران صدر، وی را در شعارهایشان با عنوان پسر مهدی (عج) خطاب می‌کنند.

۴. امریکایی‌ها می‌دانند برای از سر راه برداشتن صدر (به هر نحوی) باید در ابتدا چراغ سبز آیت‌الله‌ها و تشکیلات دینی شیعه را داشته باشند. ازسویی در صورت ادامه مخالفت سرسختانه صدر با اشغالگری امریکا و عدم موضع ضد امریکایی ازسوی آیت‌الله‌ها، باعث تضعیف جایگاه آنها در بین هوادارانشان خواهد شد.

۵. امریکا هم‌اکنون در مورد رفتار خود با صدر بر سر دوراهی مانده است؛ یا باید صدر را به حال خود واگذارد تا اقتدار سیاسی خود را تقویت کند و موقعیتش را اعتلا ببخشد یا وی را به قتل برساند و از او شهیدی بسازد که احتمالاً شیعیان را ضد اشغالگری متحد خواهد ساخت.

منبع: لس‌آنجلس تایمز، ۱۱ آوریل ۲۰۰۴ (۲۳ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: ساندرامک‌کی

### تهران از فراخوانی سیستانی به آرامش حمایت می‌کند

ایران و آیت‌الله سیستانی، امریکا را به علت عدم ایجاد امنیت در عراق تنبیح می‌کنند. ولی هیچ نشانه‌ای از این‌که ایران در ایجاد خشونت، نقشی داشته باشد، وجود ندارد.

ایران نیز از موضع آیت‌الله سیستانی مبنی بر ضرورت آرامش مردم و جلوگیری از خشونت جانبداری کرده است. با این حال همچنان امریکا معتقد است که ایران در امور عراق دخالت دارد و این سخنان را دونالد رامسفلد عنوان نموده است. مقامات امریکا نیز اظهار داشته‌اند که صدر ماهی پنج میلیون دلار از ایران دریافت می‌نماید.

سعید لیلاز - تحلیل‌گر مسائل سیاسی در تهران که با هیئت حاکمه دارای روابط نزدیک می‌باشد - ادعاهای مسئولان امریکا را رد کرده و گفت: "وجود صدر برای ایران بسیار خطرناک می‌باشد. او بسیار لجام گسیخته و کم و بیش به اسامه بن‌لادن شبیه است." ایران در حال حاضر بسیار مشتاق است که میان گروه‌های مختلف در عراق وحدت ایجاد کند. خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران در تأیید این مطلب عنوان کرد مجلس اعلای انقلاب اسلامی (که ارتباط نزدیکی با ایران دارد) سعی دارد برای پایان دادن به نزاع با صدر گفت‌وگو کند. همچنین آیت‌الله حائری حامی آقای صدر طی یک بیانیه مسالمت‌جویانه خواستار سعه‌صدر بیشتر و حفظ حرمت اماکن عمومی شد و از مردم خواست فعالیت‌های روزمره کارمندان دولت و مأموران پلیس در عراق را مختل

نکنند و اجازه دهند آنها وظایفشان را انجام دهند.

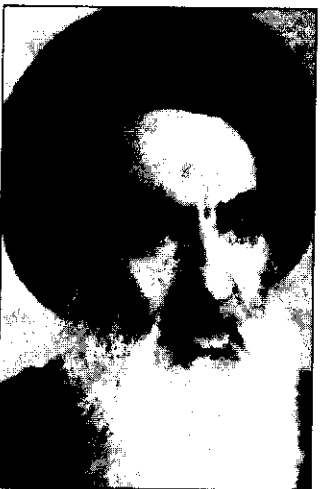
منبع: فایننشال تایمز، ۱۰ آوریل ۲۰۰۴ (۲۲ فروردین ۱۳۸۳)

نویسنده: گارت اسمیت

### عراق در راستای دموکراسی و بازسازی

درحالی‌که شورای حکام روز ۹ آوریل را روز ملی جدید کشور نامیدند، جمعی از حقوقدانان عرب در همایشی در لبنان این روز را "روز آندوه برای ملت عرب" توصیف کردند. این حقوقدانان اعلام آمادگی کردند تا به هنگام محاکمه صدام حسین، از وی دفاع کنند. گفته می‌شد بعد از سقوط صدام، نخست، میلیون‌ها عراقی آواره خواهند شد. دوم، قحطی حکمفرما خواهد شد. سوم، جنگ داخلی به وقوع خواهد پیوست. چهارم، عراقی‌ها نیز غیر از حکومت دیکتاتوری، حکومت دیگری را پذیرا نیستند. در این راستا حتی آقایان ماتیو پاریس، نویسنده دائمی روزنامه "تایمز لندن" و توماس فریدمن، نویسنده "نیویورک تایمز" گفتند، این صدام نبود که عراق را به این صورت درآورد بلکه این مردم عراق بودند که صدام را ایجاد کردند. پنجم، رادیکال‌های اسلام‌گرا و پان‌عربیست‌های معتاد به استبداد در هر انتخابات آزادی پیروز خواهند شد. و ششم این‌که، نظام آموزشی عراق پس از نظم مستقر یافته سی‌ساله مختل خواهد شد و زیرساخت‌های صنعت نفت و دیگر صنایع منهدم خواهد شد...

در پاسخ به این نظریه باید گفت نخست این‌که نه تنها میلیون‌ها عراقی آواره نشدند بلکه تاکنون یک میلیون و دویست هزار آواره به کشور بازگشتند و روزانه به طور میانگین ۳۰۰ نفر به عراق بازمی‌گردند. دوم این‌که به جای



عروج دین‌پوش

آیت‌الله سیستانی

قحطی، وفور نعمت برقرار شده و انواع خوراکی‌ها در آنجا یافت می‌شود. سوم این که علی‌رغم تلاش‌های بقایای حزب بعث و برخی کشورهای عرب، فرقه‌ها و جوامع مختلف عراق به دام جنگ داخلی نیفتادند.

چهارم این که عراقی‌ها دموکراتیک‌ترین قانون اساسی جوامع عرب را تهیه و تدوین نمودند. پنجم این که در انتخابات شورای شهر که در ۱۲ شهر عراق برگزار شده افراد دموکرات و سکولار رأی آوردند و براساس نظرخواهی، اکثریت مردم عراق طرفدار آزادی هستند. ششم: نظام آموزشی در دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها با ظرفیت کامل راه افتاده است. زیرساخت‌ها مرمت شده و از آب تصفیه شده و برق برای نخستین بار از سال ۱۹۸۰ به بعد برخوردار گردیده‌اند. بیمارستان‌ها کار خود را از سر گرفته و صدها پزشک عراقی از تبعید به وطن بازگشته‌اند. ۲۰۰ هزار شغل جدید به وجود آمده که نیمی از آن مربوط به وزارتخانه‌های بازگشایی شده و تازه تأسیس دولت می‌باشد. صنعت نفت عراق نیز در حال بازگشت دوباره به اوج است.

و از همه مهم‌تر، بزرگ‌ترین دستاوردی که مردم عراق داشته‌اند آزادی است. ممکن است برای غربی‌ها این آزادی پیش پا افتاده باشد ولی برای مردم عراق ارزش فراوانی دارد. برای نخستین بار مردم عراق به آزادی بیان دست یافته‌اند، احزاب سیاسی و اتحادیه‌های کارگری راه افتاده است، به راه انداختن تظاهرات ضد مقامات حاکم، سفر در داخل و خارج بدون کسب مجوز از تشکیلات امنیتی، ایجاد تجارتخانه و کسب و کار بدون دادن باج به باندهای مافیایی با پشتیبانی دولت موقت، همه از دستاوردهای بزرگ پس از سقوط حکومت صدام است.

منبع: نشنال ریویو، ۱۲ آوریل ۲۰۰۴  
(۲۴ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: امیر طاهری

### عملکرد آمریکا و ناآرامی‌های عراق

رایین راییت معتقد است که چالش‌های موجود در عراق بر اثر روی هم انباشته شدن محاسبات غلط، از "دست‌دادن فرصت‌ها" و "آشتباهات استراتژیکی" است که از سال گذشته به هنگام فروپاشی دولت صدام به وجود آمده که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

۱. سردرگمی آمریکایی‌ها در آغاز و تلف کردن فرصت‌ها؛ این بود که نمی‌دانستیم پس از جنگ و پس از حکومت صدام، کدام یک از آمریکایی‌ها و یا کدام یک از عراقی‌ها باید عراق پس از جنگ را اداره کنند و چگونه باید این کار را انجام دهند.

۲. عدم شناخت از روحانیون قدرتمند مسلمان که ممکن بود دارای تسلط سیاسی شوند؛ از آیت‌الله سیستانی میانه‌رو گرفته تا مقتدی صدر تندرو.

۳. انتصاب یک سرهنگ پیشین ارتش که سنی مذهب بود به سمت شهردار نجف؛ مقدس‌ترین پایگاه مسلمانان شیعه. این شهردار دوماه بعد به همراه ۶۱ نفر از دستیاران خود دستگیر و محکوم به آدم‌ربایی و چندین فقره سوءاستفاده مالی از جمله دزدیدن وجوه دولتی گردید.

۴. طرح ابتدایی برای موفقیت در عراق این بود که به‌ازای هر هزار نفر عراقی ۲۰ نفر نیروی آمریکایی وجود داشته باشد. اما واشنگتن تصمیم گرفت که به‌ازای هر هزارعراقی فقط شش نفر نیرو اعزام نماید.

۵. ایجاد توقعات بیش از حد در عراقی‌ها؛ عراقی‌ها انتظار داشتند که بعد از سقوط صدام ظرف یک یا دو ماه به زندگی مرفه، شغل مناسب ماشین و خانه دست یابند.

۶. جیمز دابینز یکی از سنفرای

پیشین که اکنون از تحلیل‌گران شرکت "زند" است می‌گوید: "آمریکا دارای تحرکی به اندازه کافی سریع و قاطع بعد از سقوط صدام برای پرکردن خلأ نبوده است. واشنگتن باید این مسئله را با توجه به سوابق و نمونه‌های کوزوو، سومالی و افغانستان پیش‌بینی می‌کرد. این نیز یکی دیگر از فرصت‌های آمریکا در عراق می‌باشد."  
۷. دابینز در ادامه می‌گوید: "مهم‌ترین ناکامی این بود که اجازه دادیم مقاومت پدیدار شود، خود را سازماندهی کند، اعتماد به دست آورد و استحکام یابد."  
۸. شورای حکام عراق که قرار بود به‌عنوان شریک آمریکا و ائتلاف باشد، متشکل از افرادی شد که طرفداران محدودی در عراق داشتند.

۹. عدم دسترسی و عدم دخالت به جای اقلیت سنی در امور داخلی عراق.  
۱۰. در چند مقطع اساسی آمریکا سعی کرد طرح‌های خود را با فشار در مقابل مخالفان پیش ببرد که سرانجام تسلیم فشار عراقی‌ها می‌شد. این مسئله مخصوصاً در زواریویی با سیستانی که با فتوای خود خواستار انتخابات مستقیم بود، نشان داده شد.

۱۱. یک محاسبه نادرست دیگر، اصرار پنتاگون برای اداره امور عراق پس از جنگ بود، درحالی‌که این وظیفه وزارت امور خارجه بود، زیرا پنتاگون تجربه لازم در این مورد را نداشت. ما دیدیم که انتقال تجربیات و دستاوردهای وزارت امور خارجه به پنتاگون، هزینه‌های سنگینی را بر دوش بوش و واشنگتن تحمیل کرد.

۱۲. آمریکا ارتش عراق را منحل کرد. این اقدام پیش از آن بود که صدها مخفیگاه مهمات پینا، جمع‌آوری و معدوم شوند. یک سال از این مسئله می‌گذرد، درحالی‌که انبارهای سلاح‌های متعارف کشف نشد و هیچ‌گونه گزارش و آماری پیرامون این که چه مقدار سلاح از انبارها خارج شده است در دست نیست.

۱۳. رهاکردن سربازان، درجه‌داران و افسران سابق ارتش بدون هیچ‌گونه شغل جایگزین و بدون حقوق بازنشستگی، درحالی‌که حتی برای دریافت آن حقوق قبلاً حق بازنشستگی پرداخت کرده بودند.

۱۴. اخراج تمام مقاماتی که زمان طولانی در دوران حاکمیت صدام حسین در حزب بعث عضویت داشته‌اند. درحالی‌که تنها بعضی از اعضای آن به دلیل جنایت مجرم بودند، اما افراد باصلاحیتی نیز در این حزب بودند که تنها راه رسیدن به شغل را عضویت در حزب بعث می‌دانستند.

۱۵. اهداف فوری آمریکا بیش از حد خام و بلندپروازانه بود: آمریکا فکر می‌کرد می‌تواند جهان عرب را به شیوه غربی [به شیوه محافظه‌کاران جدید که حتی پیشنهاد انتخابات آزاد سیستانی یعنی دموکراسی غربی را نیز قبول ندارند] دوباره بسازد.

منبع: واشنگتن پست، ۱۱ آوریل ۲۰۰۴  
(۲۳ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: رایین راییت

### ضرورت سه گفت‌وگوی اجتناب‌ناپذیر برای پیروزی در عراق

۱. امید به پیروزی در عراق نیازمند آن است که در اسرع وقت سه گفت‌وگو انجام پذیرد: ۱. گفت‌وگوی جورج بوش پسر با جورج بوش پدر ۲. زمامداران عرب نیز نیاز به آن دارند که با فرزندان (ملت عرب) خود گفت‌وگو کنند. ۳. گفت‌وگوی آمریکا با شورای حکام در عراق.

جورج بوش از آن جهت نیاز به مشورت با پدر خویش دارد، که از تجربه‌های وی در جنگ خلیج فارس بهره گیرد. نقطه‌قوت جورج بوش پدر در جنگ خلیج آن بود که وی همکاری همه کشورها به‌خصوص جوامع عرب را با خود به همراه داشت. توماس



فریدمن می گوید (برای نمونه): امروز السالوادور با ما همکاری دارد و این خیلی خوب است، ولی عراقی‌ها حاضر نمی‌شوند برنامه‌های تلویزیونی السالوادور را تماشا کنند، بلکه آنها تلویزیون خود را روی شبکه الجزیره تنظیم خواهند کرد. اگر امریکا به تنهایی رو در روی ناراضیان عراق در کوچه و بازار بایستد، شانس پیروزی کمی دارد، ولی اگر دنیا به خصوص اعراب نیز رودرروی ناراضیان عراقی قرار گیرند، شانس پیروزی بیشتر خواهد بود.

همکاری اعراب با امریکا و جورج بوش ممکن است برای آنها (اعراب) به خصوص برای زمامداران غیرمنتخب ناخوشایند باشد.

با این همه همکاری اعراب با امریکا بدتر و ناگوارتر از قرار گرفتن عراق غنی از نفت زیر سلطه رادیکال‌های بعثی که حاضرند با کمال میل با القاعده همکاری کنند و یا شیعیان رادیکال که با کمال میل حاضرند با ایران همکاری کنند، نخواهد بود. زیرا در صورت تحت استیلا قرارگرفتن عراق به این دو گروه، رادیکال‌های سراسر منطقه عرب‌نشین قدرت خواهند گرفت و فرایند نوپای اصلاحات در آن منطقه متوقف می‌شود. به همین دلیل حکام عرب باید با فرزندان خود به گفت‌وگو بنشینند که آیا حاضر هستند که اصلاحات نوپای منطقه شکست بخورد و بار دیگر جامعه عرب در جهان منزوی شود.

آنچه این روزها در عراق می‌گذرد، نه تنها جنگ میان اسلام رادیکال و امریکاست، بلکه از همه مهم‌تر مبارزه‌ای درون اسلام، میان کسانی است که خواستار یک اسلام با سیمای مترقی هستند تا بتوانند در جهان با همه بجوشند و حشر و نشر داشته باشند با کسانی که خواستار اسلام انحصارگرا که با همه جهان خصومت دارد، می‌باشد.

منبع: نیویورک تایمز، ۱۱ آوریل ۲۰۰۴ (۲۳ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: توماس فریدمن

### چگونگی نفوذ ایران در عراق

۱. نویسنده مقاله در برخورد مستقیم با محمد العبادی، یکی از اعضای سپاه بدر شنیده است که: "امریکا فکر می‌کند طی هشت ماه به صلح دست خواهد یافت، ولی باید بگویم که اگر ۱۸ سال هم بگذرد، نمی‌گذاریم آنها روی صلح را ببینند."  
۲. روبین از مشاهدات خود در عراق نتیجه می‌گیرد که امریکایی‌ها پس از اشغال عراق دست به ترتیبات امنیتی شدیدی زدند از قبیل حضور در کاخ‌ها با محافظین، رفت‌وآمد با خودروهای زرهی و... اینها از لحاظ امنیتی خوب بود ولی از لحاظ سیاسی خوب نبود، زیرا امریکایی‌ها باید پس از ۳۰ سال حکومت دیکتاتوری، با مردان مسلح به گفت‌وگو می‌پرداختند و با عراقی‌ها ارتباط و تماس برقرار می‌ساختند. نتیجه این عدم گفت‌وگو نفوذ ایران در عراق شده است.

۳. نویسنده مقاله به نقل از نوه یک شخصیت سرشناس دینی در بصره به نام زینب السوویج مدعی است که در ژانویه ۲۰۰۴ حزب‌الله لبنان (که رابطه خوبی با سپاه پاسداران ایران دارد) به طور علنی در دامن‌زدن به ناآرامی‌های ناصریه و بصره نقش فعالی داشته‌اند. اما در این مورد ریچارد بوچر (سختگوی وزارت خارجه امریکا)، از دخالت نیروهای حماس و حزب‌الله لبنان اظهار بی‌اطلاعی کرده و عنوان نمود در صورت برخورد با چنین موضوعی آن را متوقف خواهیم نمود.

۴. نویسنده معتقد است دولت ایران حمایت خود را از عراقی‌ها به یک فرد یا جناح یا حزب خاصی محدود نمی‌کند. راهبرد تهران برقراری ارتباط هم با گروه‌هایی است که خواهان برخورد

آنی با امریکا هستند و نیز گروه‌ها و احزابی همانند مجلس اعلاای عراق، حزب‌الدعوه و... که تمایل به حضور در شورای حکام مورد حمایت امریکا دارند، می‌باشند.

منبع: نیورپابلیک، ۲۶ آوریل ۲۰۰۴ (۷ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: مایکل روبین

### عراق و جنگ رسانه‌ای ایران علیه امریکا

نویسنده معتقد است که حکومت ایران در ادامه دخالت خود در امور عراق، شرایط جدید دیگری را تجربه می‌کند که آن را تبلیغات رسانه‌ای ضد امریکایی عنوان می‌کند. نمونه‌ای از این جنگ رسانه‌ای، تأسیس رادیو مجاهدین متعلق به مجلس اعلاای عراق می‌باشد. این رادیو در تاریخ ۱۳ آوریل مدعی شد که ناآرامی‌های اخیر بغداد بخشی از سناریوی گروه فشار ذی‌نفوذ صهیونیستی که کاخ سفید را در کنترل خود دارد می‌باشد. این رادیو در توضیح ادعای خویش می‌افزاید: این سناریو از تعطیلی روزنامه الحوزه متعلق به مقتدی صدر و بازداشت همکار وی آغاز شد که دلیل آن هم جلوگیری از روند انتقال قدرت در عراق بود تا امریکا بتواند مدت زمان نامحدودی برای برقراری به اصطلاح آرامش و ثبات در عراق حضور داشته باشد، نفت این کشور را غارت کند و فرهنگ ضداسرائیلی را از بین ببرد.

این رادیو در تاریخ ۸ آوریل در یک پیش‌بینی عنوان نموده است که ممکن است در روزهای آینده شرایطی فراهم شود تا بسیاری از مردم عراق به یک قهرمان بدل گردند. "این پیش‌بینی، پیش از درگیری‌ها، خبر از تئوریزه کردن خشونت علیه امریکا می‌دهد. این رادیو همچنین به مردم عراق می‌گوید که به فتوای آیت‌الله سیستانی

برای جهاد علیه امریکا دل خوش نکنند، زیرا وی نمی‌تواند چنین فتوایی علیه امریکا صادر کند.

در تاریخ ۳۱ مارس (۱۲ فروردین ۱۳۸۳) این رادیو به مردم عراق هشدار می‌دهد در صورتی که پل ولفوویتر معاون وزیر دفاع امریکا - به عنوان سفیر امریکا در عراق انتخاب شود، عراق را به پایگاه صهیونیست‌ها تبدیل خواهد کرد.

در ادامه این مبارزه تبلیغاتی، همچنین شبکه تلویزیونی سحر جمهوری اسلامی که از طریق ماهواره در عراق پخش می‌شود در تاریخ ۱۷ مارس (۲۷ فروردین ۱۳۸۳) مصاحبه‌ای را پخش نمود که در آن به بررسی مقاصد امریکا مبنی بر اسکان یهودیان در عراق پرداخت.

تلویزیون العالم متعلق به صدا و سیمای جمهوری اسلامی همچنین در ماه مارس (اسفند - فروردین) برنامه‌ای با عنوان نتیجه یک سال اشغال امریکایی‌ها پخش نمود.

این خصومت و دشمنی ایران علیه امریکا که با چهره جدید جنگ رسانه‌ای ظاهر شده است، تازگی ندارد. ایران که پس از سقوط طالبان و صدام خود را تحت محاصره امریکا می‌بیند، تلاش همه‌جانبه‌ای را برای برانگیختن احساسات مردم منطقه علیه ایالات متحده امریکا و تضعیف صلح در عراق و ثبات در دیگر مناطق دنبال می‌کند.

منبع: ویکی استناد، ۲۶ آوریل ۲۰۰۴ (۷ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: ویلیام سمیعی

### اختلاف امریکا و انگلیس درباره

#### نفوذ ایران در عراق

۱. با وجود آن که کالین پاول به‌طور خصوصی از ایران خواست که هیئتی را برای میانجیگری روانه عراق کند اما این هیئت از سوی امریکایی‌ها به

سردی مورد استقبال قرار گرفتند.  
 ۲. پس از آن که رامسفلد ایران را متهم به مداخله در عراق کرد، متحدان بریتانیایی آنها از این موضع‌گیری برافروخته شدند. آنها معتقدند که ایرانیان از عملکرد و رفتار درستی برخوردارند و احتمال دارد که ایران به‌عنوان همسایه جاسوسانی را روانه عراق بکند اما در آشوب‌ها مداخله‌ای ندارد.  
 ۳. آیت‌الله حائری از عدم موضع‌گیری آیات عظام ایران از کشتار شیعیان توسط امریکایی‌ها گلّه‌مند است. نویسنده بر این باور است که آیات عظام از این جهت اقدام به موضع‌گیری نکرده‌اند که آنها صدر را یک ریاکار پان‌عرب می‌دانند و بیم آن دارند که صدر قصد داشته باشد به سنت دیرینه نفوذ ایران در حوزه اصلی علمیه نجف پایان دهد.

منبع: اکونومیست، ۲۴ آوریل ۲۰۰۴  
 (۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
 سرمقاله

### وجوه مشترک تهران - واشنگتن

۱. ورود هیئت نمایندگی ایرانی جهت میانجیگری با نیروهای مقتدی صدر بیشتر به خاطر منافع و جایگاه ایران در قبال امریکا می‌باشد.  
 ۲. ایرانی‌ها به امریکایی‌ها اطلاع دادند که تهران و واشنگتن در مورد مسائل حل‌ناشده عراق وجوه مشترکی دارند. دو کشور برای پیشبرد مشی خویش به یک عراق باتبات نیاز دارند.  
 ۳. آندرو هس استاد دیپلماسی دانشگاه تافه‌تس نیز می‌گوید: "ما در عراق با آشوب واقعی دست به گریبان هستیم و آنچه نیروها و حکومت ائتلافی عراق خواستار آن هستند تبات است و بس."

منبع: شیکاگو تریبون، ۱۶ آوریل ۲۰۰۴  
 (۲۸ فروردین ۱۳۸۳)  
 نویسنده: کریستین اسپولار

### میانجیگری محافظه‌کاران ایران به نفع امریکا

۱. ایران و امریکا برای خنثی کردن ناآرامی‌های اخیر در عراق دست به یک معامله‌ای زدند که با ترور خلیل نعیمی این معامله در آستانه فروپاشی قرار گرفت. پس از ترور نعیمی - رهبر سیاسی ایران - اشغالگران را مسئول مرگ نعیمی و ایجاد ناآرامی‌ها در عراق دانست. همچنین رئیس‌جمهور خاتمی در یک مصاحبه که در خبرگزاری رسمی ایران به چاپ رسید. ناآرامی‌های اخیر را نتیجه قصور و اهمال‌ورزی امریکا نسبت به واقعیت‌ها و احساسات مردم عراق دانست و خواستار تغییر رفتار امریکا نسبت به مردم عراق شد.  
 ۲. ریچارد بوچر سخنگوی وزارت خارجه در تاریخ ۱۵ آوریل اظهار داشت که شایسته ایرانیان نیست که نقش میانجی را بین شیعیان بازی کنند، بلکه شایسته ایرانیان است که با شورای حکام (که مورد تأیید امریکاست) همکاری کنند و در ثبات منطقه نقش داشته باشند و از نفوذشان تا آنجا که می‌توانند بهره‌گیرند.  
 ۳. محافظه‌کاران ایران که در ماه فوریه در انتخابات مجلس پیروز شدند از نقش میانجیگر که از سوی امریکا به آنها محول شد بسیار خشنود شدند. آنها پس از پیروزی در انتخابات مجلس، آشکارا از عادی‌سازی روابط با امریکا سخن گفتند.  
 ایفای نقش میانجیگری ایران - که امریکایی‌ها خواستار آن شدند - موجب آن گشت که دو کشور پیش شرط‌هایی برای یکدیگر داشته باشند. ایرانیان خواستار آن شدند که در صورت ایفای نقش میانجی، امریکا نیز در مورد برنامه‌های هسته‌ای ایران

ملایم‌تر رفتار کند و امریکایی‌ها نیز ایران را تهدید کردند که اگر ایران نتواند در ایفای نقش میانجی پیروز شود، تمام تلاش خود را خواهند کرد که تحریم‌های قطعی بین‌المللی بر ضد ایرانیان را به‌دنبال برنامه‌های هسته‌ای شدت بخشد.

۴. گری سیک کارشناس مسائل ایران، در دوران فورد، کارتر و ریگان که در شورای امنیت ملی خدمت می‌کرد، می‌گوید که علت فروپاشی همکاری دو کشور امریکا و ایران

به سوی این کشور برای آرام کردن اوضاع داخلی عراق دراز کرده است.  
 ۵. رهبر سیاسی ایران از مدت‌ها پیش، از تلاش امریکا برای برهم‌زدن نظم سیاسی حاکم بر ایران اظهار نگرانی کرده بود. بسیاری از دست‌اندرکاران ایران معتقدند تلاش استراتژیک تهران در عراق یک نوع پیش‌دستی تدافعی در قبال سیاست امریکا برای برهم‌زدن نظم سیاسی حاکم بر ایران می‌باشد.



منبع: یورا سیانت، ۱۶ آوریل ۲۰۰۴  
 (۲۸ فروردین ۱۳۸۳)  
 نویسنده: اردشیر معاونی

سرپرست‌های حضور ایران در عراق  
 بیانیه ۲۶ فروردین ایران در مورد  
 پذیرش هیئت ایرانی برای میانجیگری

ناشی از عدم وحدت نظر در درون حکومت‌های دو کشور می‌باشد. گری سیک در مصاحبه با یورا سیانت می‌گوید که: منصفانه آن است که بگویم ایالات متحده امریکا در قبال ایران یک سیاست واحد ندارد و می‌افزاید: امریکا با آن‌که همیشه ایران را محکوم کرده ولی دست یاری

در عراق، لحن پیروزمندانه‌ای داشت. این خشنودی تهران منطقی بود؛ زیرا هر پیامدی در عراق، غیر از جنگ داخلی، مطلوب ایران می‌باشد.

مشخص کردن اعمال نفوذ ایران به‌طور دقیق کار بسیار دشواری است، اما در عراق چهار سرپل وجود دارد که تهران ممکن است به یکی یا هر چهار سرپل مبادرت ورزد:

۱. سرراست‌ترین و مشخص‌ترین سرپل، آیت‌الله العظمی علی سیستانی است.

است.

۴. چهارمین سرپل، غیر رسمی‌ترین اما نیرومندترین آنهاست و آن هزاران زائر ایرانی است که دائم از مرز دو کشور عبور می‌کنند و با خود پول به عراق می‌برند و پیوندهای خانوادگی و فرهنگی خود را با شیعیان تحکیم می‌بخشند. این پیوندها ایران را قادر می‌سازد در صورت تصمیم‌گیری به ایجاد آشوب و بلوا در عراق، آنها را یاری رساند.

ایران در بین دو کشور عراق و



۲. دومین سرپل، مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق می‌باشد که پیوندهای محکمی با ایران دارد.

۳. و اما سومین سرپل، مقتدی صدر پیش از اندازه رادیکال و ناسیونالیست است. به‌طوری‌که بازتاب ناسیونالیسم صدام را می‌توان از دهان صدر شنید، به شکلی که برای ایران هم نگران‌کننده

منبع: تایمز، ۱۵ آوریل ۲۰۰۴ (۲۷ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: برانون مادوکر

سه شرط باید محقق شود تا...

۱. ساعاتی پس از انفجار مادرید، تمام جهان به وسیله شبکه‌های تلویزیونی که از محل به‌طور مستقیم پخش می‌شد متوجه آن فاجعه شدند، اما هیچ‌کس نخواست برای ده‌هزار عراقی غیرنظامی که به دست صلح‌آوران و دموکراسی خواهان کشته شدند حتی یک دقیقه سکوت اعلام کنند.

۲. اکنون یک سال از شروع تهاجم و جنگ ضد عراق و دوسال از جنگ ضد تروریسم می‌گذرد. امریکایی‌ها باید بدانند که سه شرط باید محقق شود تا منطقه چشم‌انداز روشنی پیش روی خود داشته باشد:

- مردم منطقه باید به حساب بیایند و حقایق و وضعیت منطقه در نظر گرفته شود.

- به حرف‌های مردم خاورمیانه گوش داده شود نه این‌که از دور نسخه‌ای از پیش آماده برای آنها بیچند.

۳. دولت‌هایی که مشروعیت مردمی دارند مورد حمایت قرار گیرند.

منبع: گاردین، ۱۴ آوریل ۲۰۰۴ (۲۶ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: محمدعلی اسکندری

عراق؛ تجربه‌ای سخت‌تر از ویتنام اگر آمریکا هم‌اکنون اقدام به ترک عراق نماید، این کشور بی‌درنگ به دست متحدین و دشمنان قسم خورده آمریکا یعنی تروریسم بین‌المللی که به اسلام پناه برده قرار خواهد گرفت.

شخص صدام برای عملیات تروریستی در فلسطین، کمک‌های مالی زیادی را در اختیار نیروهای فلسطینی قرار داد و حتی با آنها ارتباط‌هایی به شکل غیرمستقیم برقرار نموده بود. حال نیروهایی که در عراق، آمریکا را به مبارزه می‌طلبند با این نیروهای فلسطینی ارتباط مستقیم دارند. همچنین افراطیونی

که از دیگر کشورهای اسلامی به عراق رخنه کرده‌اند وضعیت کنونی عراق را سخت‌تر از وضعیت ویتنام نموده است.

منبع: نزاویسیما یازگازتا، ۲۳ آوریل ۲۰۰۴ (۴ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: الکساندر اومنف

نقش آیت‌الله سیستانی در تعدیل وضعیت عراق

۱. آیت‌الله سیستانی حاضر نشد به امریکایی‌ها چراغ سبز نشان بدهد تا آنها وارد نجف شوند. وی به امریکایی‌ها هشدار داده بود که مراقب عبور از خط قرمز - که همان شعله ورشدن افکار عمومی شیعیان است - باشند. وی اخطار کرده است که با ورود به نجف، درگیری‌های خونین افکار عمومی نه‌تنها عراقی‌ها بلکه از پاکستان تا لبنان برانگیخته خواهد شد.

نویسنده بر این باور است اگر آمریکا وارد نجف شود به تحقق اهداف خود نزدیک می‌شود و اگر وارد نجف نشود امریکاستیزی، خشونت و بی‌ثباتی ترویج بیشتری خواهد گرفت.

۲. در عراق آن چیز که به مصلحت بود اتفاق افتاد و آن ظهور سیستانی در مقام یک واسطه عمده در عرصه قدرت بود. او دارای نفوذ زیادی در بین شیعیان است و باعث تعدیل رفتارهای خشونت‌آمیز آنها خواهد شد. همچنین کمک بزرگی برای انتقال منظم حاکمیت به شمار می‌رود. مدت‌ها پیش، وی شیعیان را تشویق کرده که در برابر ورود آمریکا به عراق مقاومت نکنند. وی پیروانش را از خشونت برحذر داشته و خواستار آرامش در مقابل کسانی شد که کوشیده‌اند میان شیعیان و سنی‌ها تفرقه بیندازند. وی با آن‌که حاضر نیست در برابر قانون اساسی تدوین شده توسط آمریکا سر تعظیم فرود آورد، ولی نمی‌توان به

راحتی از کنار نام وی به عنوان یک وزنه مثبت در عراق گذشت.

سیستانی در حال حاضر توانسته الگوی تازه‌ای برای سیاست شیعه از خود نشان دهد؛ الگویی که "مصلحت جویانه"، "پذیرای دموکراسی"، "پذیرای مراد به با امریکا" و "درقبال اجرای قوانین اسلامی دارای موضعی تعدیل شده‌تر از تهران" می‌باشد.

۳. ولی نصر (نویسنده مقاله) بر این باور است که حمایت از سیستانی یعنی جلوگیری از رادیکالیزه شدن سیاست شیعه، و این همان چیزی است که امریکا می‌خواهد؛ قدرت بخشیدن به سیستانی و در بن بست قراردادن صدر. برای آرام کردن اوضاع کنونی عراق، امریکا باید بیش از هر چیزی به فکر قدرت بخشیدن به سیستانی باشد تا سرکوب صدر.

منبع: واشنگتن پست، ۱۹ آوریل ۲۰۰۴ (۲۱ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: ولی نصر

بگذاریم خود شیعیان مقتدی صدر را منزوی کنند

۱. آقاجفری - دبیرکل انجمن مسلمانان امریکا - که یگانه سازمان شیعه اسلامی در کشور امریکاست، پیرامون ناآرامی‌های اخیر عراق می‌گوید: "طی تماسی که با هم‌مسلمانان خویش در عراق داشته‌ام و کسب اطلاع کرده‌ام، متوجه شدم که اکثریت شیعیان با امریکایی‌ها ضدیت ندارند. آن عده از شیعیانی که با امریکایی‌ها می‌جنگند یک اقلیت رادیکال هستند که نماینده همه شیعیان نیستند. صدر و گروه به اصطلاح آرتش ملی تحت امر او مورد انزجار بیشتر شیعیان عراق هست. آنان صدر را فتنه‌جو و اعمالش را دارای نفع شخصی می‌دانند. بیشتر شیعیان از شکست صدر خشنود می‌شوند. آنها تحمل مردی را که یک سال صلح و

دست‌آورد سیاسی را با اعمال نسجیده‌اش نقش بر آب کرده، ندارند."

۲. در حالی که در جلسات هماهنگی امریکا با شورای حکام در مورد مقابله با صدر و هوادارانش اجازه حضور اعضای شیعه شورای حکام در جلسات توسط امریکا داده نمی‌شود؛ آقاجفری معتقد است که این بزرگ‌ترین اشتباه امریکاست، زیرا رهبران شیعه در شورای حکام می‌توانند نقش قاطع و حساسی در اجرای یک استراتژی امریکایی، جهت حمایت از مبارزه نظامی ایفا کنند. یک چنین استراتژی‌ای مقتدی صدر را منزوی کرده و نفوذ وی را در بین شیعیان کم‌رنگ می‌کند.

منبع: نشنال ریویو، ۱۶ آوریل ۲۰۰۴ (۲۸ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: آقاجفری

اداره عراق را به سازمان ملل و به خود عراقی‌ها واگذاریم

توماس فریدمن می‌گوید، پل برمر - فرماندار نظامی امریکا در بغداد - حق دارد روی وعده‌اش مبنی بر واگذاری قدرت در تاریخ ۳۰ ژوئن (۱۰ تیر ۱۳۸۳) به عراقی‌ها پافشاری کند؛ چرا که وی معتقد است: ما هزاران پلیس را در عراق آموزش می‌دهیم اما آنان بدون داشتن حکومتی از آن خویش به دفاع از امریکایی‌ها می‌پردازند، نه دفاع از عراق (کشور خویش) در نتیجه آنان هیچ‌گاه به شور و التهاب واقعی به خدمات پلیسی خود نخواهند پرداخت. توماس فریدمن درباره خروج از عراق استدلال می‌کند: شارون درک کرده است که اسرائیل نمی‌تواند به اداره و کنترل همه سرزمین‌های فلسطینی بپردازد و در عین حال یک کشور دموکراتیک یهود باقی بماند، از این رو حاضر به خروج یک جانبه از باریکه غزه شده است. پس از خروج اسرائیلی‌ها از نوار غزه، مردم فلسطینی به سراغ حماس و عرفات رفته و از آنان شغل،

آب مصرفی و برق مطالبه خواهند نمود. در آن زمان بار مسئولیت و پاسخگویی به دوش حماس و عرفات خواهد افتاد که قادر به آن نخواهند بود.

با این حال توماس فریدمن موافق خروج یک جانبه از عراق نیست وی می‌گوید من هوادار آن هستم که مقدار انرژی باقی مانده خود را صرف حمایت از سازمان ملل برای برقراری حکومت متعهد و دارای پایگاه وسیع مردمی نمایم تا آن دولت در اول ژوئیه ۲۰۰۴ (۱۱ تیر ۱۳۸۳) اداره عراق را در دست گیرد. تنها در آن صورت می‌توانیم بار مسئولیت بازسازی یا تخریب عراق را به دوش خود عراقی‌ها بگذاریم، تنها در آن زمان آنها مسئول و پاسخگو خواهند بود. پاسخگو بودن هم مادر خویشن‌داری است و هم مادر خودگردانی.

منبع: نیویورک تایمز، ۱۵ آوریل ۲۰۰۴ (۲۷ فروردین ۱۳۸۳)  
نویسنده: توماس ال. فریدمن

حامیان صدر چه کسانی هستند؟ اگر آرشو روزنامه‌ها را از ابتدای جنگ ورق بزنیم، مطمئناً نامی از مقتدی صدر سی ساله که "حملات ۱۱ سپتامبر را معجزه خداوند می‌نامد" به چشم نمی‌خورد. پس چگونه صدر - این روحانی لجام‌گسیخته‌ای که تحصیلات حوزوی را هم به پایان نرسانده - با چنین سرعتی هراس به دل حریف انداخته و عده‌ای را پیرو خود ساخته، آن هم در کشوری که روحانیان آن، به دلیل ریش سفید خود مورد احترام قرار دادند. ناظران معتقدند که این پیشرفت ناگهانی صدر اتفاقی نبوده و با کمک ایران می‌باشد. تشکیلات اطلاعاتی - امنیتی نیروهای دفاعی ایتالیا طی گزارشی که اوایل ماه جاری تسلیم پارلمان کرده بود، عنوان نمود صدر از ایران مستقیماً دستور

می‌گیرد. آنها معتقدند که ایران هفت میلیون دلار برای سازماندهی گروه صدر که از طریق کارگزاران و مأموران تحت پوشش گروه‌های بشردوستانه و امدادگر در بغداد، کربلا، نجف و کوفه فعالیت می‌کنند هزینه می‌کند. نیروهای ایتالیایی در گزارش خود آورده‌اند که صدر نمی‌تواند طی ماه گذشته چندین حمله همزمان را از بغداد گرفته تا بصره هماهنگ کرده و به اجرا درآورده باشد، مگر آن که از حمایت سیاسی نظامی تهران برخوردار بوده باشد.

صدر در ناحیه فقیرنشین، یک گروه شبه نظامی متشکل از یک میلیون نفر تشکیل داده که به آنها وعده داده که با کمک ایران به پاداش‌های نقدی و رفاه دست خواهند یافت.

ولید حلی رهبر حزب الدعوه به خبرنگار بی‌بی‌سی گفت: اگر امریکا به نجف تجاوز کند، تنها پیروان مقتدی صدر با آنها مقابله خواهند کرد، بلکه همه مردم به جنگ و جهاد برخوانند خاست. نجف به مقتدی صدر تعلق ندارد، این شهر حتی متعلق به شیعیان نیز نیست، بلکه از آن همه مسلمانان است. تجاوز به این شهر تجاوز به واتیکان است.

منبع: ورلد مگزین، ۱۷ آوریل ۲۰۰۴ (۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: میندی بلز

دخالت ایران و عراق به گونه‌ای دیگر

در یک موضع‌گیری سیاسی آیت‌الله محمدعلی تسخیری - نماینده آیت‌الله خامنه‌ای - گفته است: "حمله به نجف و کربلا بزرگ‌ترین حماقتی است که ممکن است از نیروهای اشغالگر امریکایی سر بزند و چنین اقدامی بهای سنگینی برای آنها در پی خواهد داشت." آقای خاتمی نیز می‌گوید: "چنین اقدامی یک خودکشی



برای نیروهای اشغالگر خواهد بود و به تحریک احساسات جهان اسلام علیه آنها منتهی خواهد شد.  
آیت‌الله کاظم حائری ساکن قم مردم عراق را به دفاع فرامی‌خواند. اما فرمان جهاد را به فرمان علمای نجف موکول کرده است. محمدحسین حائری رئیس دفتر و سخنگوی حائری چنین گفته است: "مقتدی صدر در امور شرعی و جزئی وکالت دارد نه در امور سیاسی. وی در امور سیاسی مستقل بوده و خود ارائه طریق می‌کند، ما به او خط سیاسی نمی‌دهیم اما با او اختلاف هم نداریم. مراجع اهدافی واحد و موضع‌گیری‌هایی شبیه به هم دارند ما آقای سیستانی را محترم شمرده و با او مخالفت نداریم ولی هماهنگی هم نداریم."

ریاض حکیم - فرزند آیت‌الله محمد سعید الحکیم از مراجع دینی عراق - می‌گوید: "شکافی میان حوزه قم و نجف وجود ندارد. موضع مرجعیت، موضع آیت‌الله سیستانی است."  
ایران تا زمانی که آمریکا با شیعه و سنی جنگ نکند، در امور داخلی عراق دخالت نخواهد کرد. در صورت نیاز به دخالت هم، این دخالت نظامی نخواهد بود. بلکه منتظر می‌ماند تا علمای نجف فرمان جهاد بدهند، آنگاه این فرمان در حوزه‌های علمیه قم بازتاب پیدا کند.

منبع: الحیات، ۳۰ آوریل ۲۰۰۴  
(۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: محمد نون

### ظهور ایران مصلحت‌گرا

مشخص‌ترین و امیدوارکننده‌ترین عامل بازسازی در منطقه، ظهور ایران مصلحت‌گراست که معادلات را برهم زده است؛ بدین معنا که روابط خوبی با آمریکا، روسیه و هندوستان دارد و در عمل در بهبود عراق نیمه مردم‌سالار و

افغانستان نیمه ایرانی کمک می‌کند. [برخلاف دیگر مطبوعات، نویسنده مقاله معتقد است که دیپلمات ایرانی را طرفداران صدر کشتند و این هزینه‌ای است که ایران بابت میانجیگری در عراق پرداخت.] جنگ در حال جریان در نجف دو هدف دارد؛ نخست این که آیت‌الله سیستانی معتدل مرز آشکاری با تندروهای طرفدار صدر پیدا کند و دوم این که ایران و آمریکا در عمل متحد شوند. شکست صدر و حامیانش به منزله شکست سوریه و حزب‌الله جنوب لبنان می‌باشد.

منبع: فیگارو، ۲۸ آوریل ۲۰۰۴  
(۹ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: الکساندر ادلر

عمق فعالیت‌های ایران در عراق  
ایران برای تشکیل جمهوری اسلامی "ثانی" در عراق بسیار تلاش می‌کند. این تلاش‌ها از طریق روحانیان میانه‌رو شیعه، گروه‌ها و احزابی که با آمریکا همکاری می‌کنند (مجلس اعلا و...)، نیروهای تندرو و یا سازمان‌های تروریستی تحت حمایت ایران، اعمال می‌شود. از همه مهم‌تر، ایران برای به کنترل درآوردن رادیو و تلویزیون عراق هزینه‌های فراوانی را صرف نموده است، به طوری که نویسنده مقاله می‌نویسد: ایران ۳۳ برنامه از ۵۹ برنامه ای.ام و ۴۱ برنامه از ۶۳ برنامه اف.ام و همچنین تلویزیون عراق را تغذیه می‌نماید. درحالی که آمریکا تنها دارای یک ایستگاه تلویزیونی، دو ایستگاه رادیویی و یک روزنامه می‌باشد.

نویسنده بر این باور است که؛ برای جلوگیری از نفوذ ایران در عراق، ضروری است که رسانه‌های دموکراسی طلب افزایش یابند و مورد حمایت قرار گیرند و همچنین رسانه‌های هوادار ایران در عراق محدود شوند. به نظر

وی؛ با آن که ۲۵ سال از عمر حکومت ایران می‌گذرد، ولی این کشور از درون شکننده است.

منبع: واشنگتن تایمز، ۲۵ آوریل ۲۰۰۴  
(اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: کنستانتین منگس

### قیام در مقابل اشغالگران، عادلانه است

رئیس دفتر آیت‌الله کاظم حائری در مصاحبه‌ای اختصاصی با یومیوری از مقاومت صدر و طرفدارانش در مقابل اشغالگران حمایت کرد. وی گفت: "چنانچه سرزمین مسلمانان اشغال شود، وظیفه آنهاست که در مقابل اشغالگران قیام نمایند. قیام صدر از نظر اسلامی کاملاً عادلانه است." وی همچنین از عملکرد آمریکایی‌ها برای بازداشت صدر به شدت انتقاد نمود و افزود: "چنین اقدامی پیامدهای منفی را به بار خواهد آورد." این درحالی است که دولت خاتمی با حمایت از سیستانی، از صدر و گروهش فاصله گرفته است.

منبع: یومیوری، ۲۳ آوریل ۲۰۰۴  
(۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: کن ایچی اوگاتا

عراق یک سال بعد از آغاز جنگ  
جنگ عراق در ابتدا برای مبارزه و سرنگونی سلاح‌های کشتار جمعی آغاز شد. بوش در اکتبر ۲۰۰۲ (مهر ۱۳۸۱) در سنین سیناتی عنوان نمود: اگر نمی‌خواستیم قارچ بزرگ اتمی را بر سر خود بکشائیم، باید از بین می‌رفتند." اما پس از مدتی که این سلاح‌های نامتعارف در عراق کشف نشد (و هنوز هم اثری از آن پدیدار نشده است) لیبرال‌ها و نومحافظه‌کاران، استراتژی حمله خود به عراق را به

شرح زیر تبیین می‌کنند:

۱. ایجاد دگرگونی در خاورمیانه بزرگ

۲. راضی نبودن از وضعیت موجود

۳. برقراری دموکراسی در آن

کشورها

۴. سرنگونی حکومت‌های دیکتاتوری

قدیم و جدید - اعم از ناسیونال

کمونیستی یا بنیادگرای اسلامی - و

آخر سر عنوان می‌کنند که در این

جنگ آزادی بیش از ثبات اهمیت

داشت. درحالی‌که هم اکنون پس از

آن‌که نومییدی، دل‌سردی، سرگردانی و

واقع‌گرایی در آمریکایی‌ها چیره شده

است. گویی این تفکر به آنان القا شده

است که این جنگ از ابتدا اشتباه بوده،

و اینک درخواست کمک از نیروهای

می‌کنند که در ابتدا با آنها جنگیده

بودند. آمریکایی‌ها به این نتیجه

رسیده‌اند که نیاز به ثبات بر نیاز به

آزادی ارجحیت دارد.

- در ماه می ۲۰۰۳ (اردیبهشت

۱۳۸۳) پل برمر در دفاع از حمله به

عراق می‌گوید: "برای حمله به عراق

آزادسازی مطرح بود نه تجاوز؛ نه تنها

صدام را سرنگون کردیم، بلکه حزب

بعث را غیرقانونی اعلام کردیم و تمام

رهبران آن پاکسازی شدند، ارتش را

منحل نمودیم، استادان و مهندسان و

مقامات عالی را اخراج نمودیم و حداقل

۱۲۰ هزار بستی کار خود را از دست

دادند." این است ارمغان آزادی!!

- ژنرال‌های آمریکایی در اظهار

نظرهای رسمی اعلام نمودند که تنها

می‌توان روی ۵۰ درصد پلیس عراق

حساب کرد، ۴۰ درصد آنها ترک خدمت

نمودند و ۱۰ درصد دیگر به سوی

شورشیان گرایش پیدا کرده‌اند.

کارشناسان دلیل درخواست کمک

آمریکایی‌ها از حزب بعث را ترس آنها

از پیروزی احتمالی و قاطع شیعیان در

انتخابات می‌دانند.

- تنها راه پیروزی آمریکا در پایان

این جنگ که بوش گه‌گاه به شکست

آن به لحاظ ایدئولوژیک اعتراف نموده است، انتقال قدرت به دولتی است غیر از آنچه سازمان ملل و اروپایی‌ها خواستار آن هستند. حکومتی که در تصمیم‌گیری‌های نظامی و قانونگذاری آن، امریکایی‌ها حرف آخر را بزنند.

منبع: لاس‌آستامپا (ایتالیا)، ۲۵ آوریل ۲۰۰۴ (۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: باربارا اسپیندلی

### برخورد دوگانه احمد چلبی

احمد چلبی نورچشمی پنتاگون برای رهبری عراق آزاد، اینک رابطه گرم و صمیمانه خود با امریکایی‌ها را با نزدیکی بیش از حد با ایرانیان در خطر انداخته است. گفته می‌شود پیش از تهاجم امریکا به عراق کنگره ملی عراق متعلق به احمد چلبی (که از طریق امریکا تأمین مالی می‌شد) ماهی ۲۶ هزار دلار به شعبه خود در تهران می‌پرداخت. به گفته مشاور احمد چلبی، وی از ماه دسامبر به بعد با بیشتر رهبران بلندپایه ایران از جمله رهبری عالی مذهبی ایران و حسن روحانی مشاور عالی‌رتبه وی در امور امنیت ملاقات داشته است. او می‌گوید ایران همسایه عراق است و به نفع عراق است که رابطه خوبی با ایران داشته باشد. اما این ملاقات‌ها و نزدیکی چلبی به ایران زیاد به مذاق امریکایی‌ها خوش نیامده، به طوری که به گفته آنها، چلبی در دیدارهایش اطلاعات حساسی را درباره اشغال عراق توسط امریکایی‌ها در اختیار ایران قرار داده است. به گفته مقامات امنیتی امریکا ممکن است چلبی برای استحکام بخشیدن به قدرت خود در عراق و عقب‌گذاشتن رقبایش برخوردار دوگانه کند.

با این حال، هنوز چلبی دارای حامیان وفاداری از جمله محافظه‌کاران جدید کاخ سفید می‌باشد، به طوری که

یکی از مقامات بلندپایه پنتاگون درباره ارتباط چلبی با ایران می‌گوید: "شناختن در قضاوت و قطع این رابطه می‌تواند نتایج ناخواسته‌ای را دربرداشته باشد."

منبع: نیوزویک، ۱۰ می ۲۰۰۴ (۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: ماری هوزنبال

### راهبرد خروج مبتنی بر ناسیونالیسم عراق

- این طرز فکر که حضور نیروهای امریکایی باعث تثبیت اوضاع عراق می‌شود توهمی بیش نیست، بلکه حضور آنها به بی‌ثباتی عراق دامن می‌زند و این همان چیزی است که عراقی‌ها می‌خواهند به امریکایی‌ها بفهمانند.

- لزوم تدوین سیاستی به منظور خروج هر چه سریع‌تر نیروهای امریکایی از عراق جهت محدود کردن لطمات و صدمات وارده به امریکایی‌ها و عراقی‌ها بیش از پیش احساس می‌شود. این سیاست برخلاف پیشنهاد بعضی از تحلیل‌گران امریکایی پیرامون تقسیم عراق به مناطق فدرال قومی و دینی است. این سیاست بر منافع ملی عراقی و ملی‌گرایی عراق استوار است. این ملی‌گرایی، امروزه به سبب اشغالگری امریکایی و آشفتنی سیاسی و اعمال زور، اوج گرفته است.

برای خروج از بن‌بست کنونی: ۱. امریکا باید ناسیونالیسم مشروع عراقی را بپذیرد. ۲. امریکا باید درک کند که بدون رویارویی با مقاومت عراق، نمی‌تواند سلطه اقتصادی، سیاسی و نظامی را - هر چند به طور مخفی - حفظ کند.

طرح خروج فوری از عراق توسط ویلیام پولک، دیپلمات سابق و مشاور دولت و بنیانگذار مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه شیکاگو در حال تدوین و بررسی است. پولک می‌گوید: امریکا هر چه

سریع‌تر باید خاک عراق را ترک کند در ضمن باید به صراحت اعلام کند که تلاش نخواهد کرد تا از مزایای اقتصادی در عراق برخوردار شود، منابع این کشور را مورد بهره‌برداری قرار ندهد و نیروهای نظامی را - به جز آن تعداد که شورای حکومتی موافقت کرد - در خاک عراق نگاه ندارد. از این طریق به جوامع بین‌المللی و سازمان ملل نیز اطمینان می‌دهد که حقیقتاً قصد دارد خاک عراق را ترک نماید.

- ویلیام اودوم ژنرال بازنشسته که در حال حاضر در موسسه هودسون است و در دانشگاه "ییل" و دانشگاه "جورج تاون" نیز تدریس می‌کند می‌گوید: امریکا باید هرچه سریع‌تر و به طور یکجانبه و بدون در نظر گرفتن آنچه در عراق می‌گذرد، خاک این کشور را ترک نماید. در ادامه می‌افزاید: "ما شکست خوردیم؛ موضوع این است که چه بهای گزافی باید برای آن بپردازیم"

منبع: هرالد تریبیون، ۵ می ۲۰۰۴ (۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: ویلیام فاف

### امریکا یا دیکتاتوری

ماه آوریل، ماه بی‌رحمی بود. ماهی بود که در آن دموکراسی و مبارزه با تروریسم به بی‌رحمانه‌ترین شکل آن در عراق برقرار شد.

نویسنده معتقد است که هدف بعدی این ماه نباید ثابت باشد، زیرا رژیم سرسخت و ستمگر گذشته با این واژه سلطه خود را در عراق حفظ کرده بود، بلکه هدف همچنان باید همان آزادی باشد و بس.

عراقی‌ها اگر از فرصتی که به دلیل جانبازی و فداکاری‌های امریکایی‌ها و سازمان ملل نصیبشان شده استفاده نکنند، باید منتظر باشند که بار دیگر به کام دیکتاتوری بیفتند. حال زمان آن است که عراقی‌های دلیر برای غنیمت

شمردن این لحظه وارد میدان شوند.

منبع: نیویورک تایمز، ۳ می ۲۰۰۴ (۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: ویلیام سفایر

### اتحاد شیعه و سنی در راستای ناسیونالیسم عراقی

از قرن نوزدهم، اتحاد بین سنی‌ها و شیعیان علیه امپریالیسم که توسط سلطان عثمانی (عبدالحمید دوم) سیدجمال‌الدین افغانی و... پیگیری شده و با شکست مواجه شده بود،



اکنون با کمک امریکا و با اشغالگری‌هایش این آرزو در حال تحقق است و با وجود اختلافات زیاد بین سنی‌های سلفی‌گرا - که به جنبش‌های بنیادگرای شاخه اردن علاقه‌مند - و شیعیان رادیکال - که نزدیکی زیادی به تفکرات آیت‌الله خمینی دارند - همبستگی ناشی از ملی‌گرایی و طرفداری از اسلام در برابر ائتلاف آشکار شده است.

آیت‌الله سیستانی که گفته می‌شد توانسته است تعامل خوبی با نیروهای اشغالگر ایجاد کند نیز از اشغال عراق

توسط امریکایی‌ها اظهار ناراضی کرده و گفته است: اختلاف شیعیان و سنی‌ها در حال حاضر بسیار کم اهمیت‌تر از خطری است که به سبب اشغال عراق ایجاد شده است.

منبع: لوموند دیپلماتیک، می ۲۰۰۴ (اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: ژوان کل

عراق غیردموکراتیک و فروپاشی شده، دوست‌داشتنی نیست  
فالح جبر جامعه‌شناس عراقی که



هم‌اکنون در موسسه صلح امریکا کار می‌کند می‌گوید: همسایگان عراق، عراق غیردموکراتیک و فروپاشی شده را دوست ندارند بلکه چیزی بینابین را قبول دارند. یعنی عراق در حالتی نیمه ثبات و نیمه دموکراتیک را خواستارند. آنها از یک سو تحکیم امریکا در عراق در درازمدت را نمی‌پذیرند و از سوی دیگر ناامنی در عراق را. آماتزیا بارام، تاریخ‌نگار رویدادهای خاورمیانه در دانشگاه حیفا که هم‌اکنون در موسسه صلح امریکا مشغول

به کار می‌باشد می‌گوید: "عربستان باید نقش بیشتری در عراق پیدا کند و این در شرایطی است که ایران و سوریه نقش شرارت‌باری را در عراق بازی می‌کنند."

برخی معتقدند عربستان و ایران هر ماه ۶۰ میلیون دلار برای اعمال نفوذ خودشان به عراق سرازیر می‌کنند. عربستان مایل است موضع وهابی‌ها را در قبال شیعیان تقویت کند، چرا که شیعیان تهدیدی برای منطقه هستند. متیو لویته، کارشناس سابق ضد تروریسم خاورمیانه در اف.بی.آی - عضو موسسه سیاست خاور نزدیک واشنگتن - می‌گوید: عربستان از یک سو برای کنترل القاعده با امریکا همکاری می‌کند و از سوی دیگر عناصر بنیادگرا را همراه با پول به عراق می‌فرستد تا از آن طریق اعمال نفوذ بیشتری در عراق داشته باشد.

- برخی از کارشناسان معتقدند نقش ثبات‌بخش ایران در افغانستان می‌تواند در عراق هم تکرار گشته و موضوعیت پیدا کند. آقای جیمز دابینز نماینده دولت بوش در افغانستان معتقد است که می‌توان از ایران برای حفظ ثبات و آرامش و موضع ضد تروریستی استفاده کرد.

منبع: کریستین ساینس مانتیور، ۱۰ می ۲۰۰۴ (۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: هاوارد لافرانچی

اوج گرفتن تشیع عربی عراقی با افول تشیع ایرانی

- نویسنده عراقی‌الاصول این مقاله که در نروژ به فعالیت‌های حقوق بشری شهرت دارد می‌گوید: مقتدی صدر اکنون ترس و وحشت را هم به دل ایرانیان و هم به دل اشغالگران که خواستار تقسیم طایفه‌ای و نژادی هستند انداخته است. در حالی که وی دارای نقاط ضعف فکری و سیاسی

می‌باشد، به مظهر مقاومت و ملی‌گرایی در عراق تبدیل شده است. پس از آن که ایرانیان خواستار میان‌جیگری مابین اشغالگران و صدر (آن‌هم به نفع اشغالگران) شدند، او حاضر به چنین دیداری نشد.

مردم عراق هم‌اکنون تفاوت بین صدر، اشغالگران و همکارانشان از قبیل ایران و دست‌نشانده‌هایشان از قبیل مجلس اعلا و حزب الدعوه و... را به خوبی درک می‌کنند. آنها وقتی می‌بینند که صدر با پای پیاده در میدان نبرد حقیقی پای می‌گذارد، ولی اشغالگران با خودروهای زرهی و محافظین از هتلی به هتل دیگر می‌روند، درمی‌یابند که چه کسی از شهادت در سرزمین ابا و اجدادی خود استقبال می‌کند.

- این نویسنده معتقد است که مجلس اعلائی عراق پس از دفاع از جنگ و اشغالگری، بعد از مشارکت در شورای کینه‌توز طایفه‌گرای نژادپرست پس از اعلام سرکرده‌شان عبدالعزیز حکیم مبنی بر پرداخت صد میلیارد دلار غرامت بابت جنگ هشت ساله ایران و عراق به ایران، حال خواستار خروج مقاومت‌گران عراقی از شهرهایشان و تسلیم آن به اشغالگران شدند. وی در ادامه می‌افزاید: "به تازگی حزب الدعوه و مجلس اعلا در مورد کمک جستن برمر از جلدان حزب بعث در اداره عراق دست به اعتراض زدند. باید از آنها پرسید آیا همین مجلس اعلا نبود که از طریق خرازی - وزیر خارجه ایران - طرحی برای مصالحه سیاسی به صدام ارائه کردند، طرحی که ناجی صبری الحدیثی قبل از جنگ به بغداد انتقال داد، اما صدام آن را نپذیرفت؟ و یا چرا آنها به انتخاب محافظین خود توسط برمر که اعضای شعبه دوم سازمان اطلاعات صدام بودند اعتراض نکردند؟"

- نویسنده در پایان می‌نویسد: "اما آیت‌الله سیستانی. آیا زمان هشدار به

عبور از خط قرمز به پایان نرسیده است؟ این خط قرمز لعنتی مدت‌هاست که نقض شده و امریکایی‌ها از آن عبور کرده‌اند. آیا زمانی که ضریح سیدالشهدا و امیرالمومنین بر سر زائران خراب شد و شیخ عراقی آزادمش و مقاوم، مقتدی صدر را به شهادت رسانند، آنگاه اعلام عبور از خط قرمز می‌نمایند؟

مردم عراق از شما مرجع دینی بزرگ انتظار دارند که در مسیر قهرمان انقلاب ۱۹۲۰ محمدتقی حائری شیرازی و نه در مسیر کاظم حائری یزدی، گام بردارید."

منبع: القدس العربی، ۱۲ می ۲۰۰۴ (۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: علاءاللامی

### خطاهای استراتژیک رامسفلد

از آنجا که رامسفلد به "عامل پیروزی بر عراق و صدام" لقب گرفته، اینک نیز عامل شکست امریکا در دوران پس از جنگ عراق می‌باشد. رامسفلد و همکارانش پس از جنگ اقدام به انبارکردن اشتباهات نمودند، از آن جمله ۱. کم کردن نیروهای امریکایی از ۵۰۰ هزار سرباز به ۱۳۰ هزار سرباز ۲. انحلال ارتش عراق ۳. ناتوانی در شناسایی مخاطبان موثق قبایل سنی و شیعه ۴. آخرین اشتباه، بزرگترین اشتباه بود و توانست به بهترین سوژه تبلیغاتی بعد از ۱۱ سپتامبر برای القاعده تبدیل بشود و آن هم سرپوش گذاشتن بر رفتارهای ابلهانه و جنایتکارانه شکنجه‌گران بود با آن همه تصویر.

نویسنده مقاله معتقد است که هم‌اکنون درخواست سر رامسفلد با این همه اشتباه - با آن که بوش به طور رسمی از وی دفاع کرده است - حق طبیعی متحدان امریکا به‌خصوص ایتالیا می‌باشد. با این حال در چنین

شرایطی، شکست آمریکا، شکست همه متحدان می‌باشد.

منبع: کوریبه دلاسر، ۱۱ می ۲۰۰۴ (۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: آنجلو پانه بیانگو

### پیامی جهانی و توهین آمیز

اگر تصاویر شکنجه در زندان ابوغریب توسط سربازان امریکایی، به یک اسکیمو در قطب شمال، یا به یک بودایی در تبت یا به یک هندو در هند و به یک یهودی در اسرائیل و یا حتی به فردی بی‌دین در برلین نشان داده می‌شد، در همه این فرهنگ‌ها تأثیری مشابه می‌گذاشت. همه می‌گویند: مسئله برهنگی و امور جنسی مطرح نیست، بلکه مسئله تحقیر و توهین است، اگرچه برهنگی از ناف تا زانو برای مردان و تمامی بدن برای زنان در دنیای اسلام و عرب بسیار مذموم می‌باشد، واکنش اعراب در برابر این شکنجه‌ها این بود که می‌گفتند: "همیشه این را می‌دانستیم."

عذرخواهی و شرمزدگی بوش، بلر و رامسفلد فایده‌ای ندارد بلکه آنچه لازم است، عذرخواهی عملی است که همان خارج شدن از عراق می‌باشد. بوش باید از ملت امریکا عذرخواهی کند که امریکا را تا این حد در چشم جهانیان سرافکنده کرد.

منبع: تاگس سائتونگ، ۱۱ می ۲۰۰۴ (۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: کریم الجوهری

### هدف امریکا؛ تبعیت محض

- هدف امریکا از جنگ علیه عراق، کنترل تسلیحات و یا حل صلح‌آمیز مناقشه نبود، بلکه هدف تبعیت محض عراق بود.

همان‌طور که هیچ‌کس به ویتنامی‌ها

خرده نمی‌گیرد که چرا خونریزی خمرهای سرخ را با مبارزه مسلحانه پایان دادند، به عراقی‌های تحت اشغال، تجاوز و شکنجه نیز باید این حق را داد. زیرا اشغالگران نه تنها موفقیت به بار نیاوردند، حتی نتوانستند رفاه، دموکراسی، آرامش و امنیت را در عراق به‌وجود آورند.

- اوضاع عراق پیش از کشتار فلولجه نیز به شدت تیره و تار شده بود. در فلولجه طی یک هفته ۶۰۰ نفر کشته شدند که ۸۰٪ آنها غیرنظامیان بودند و نباید آن را یک عارضه جنبی دانست. [شاید بتوان یک انحراف استراتژیک یا جنایت دانست].

- بسیاری از ایرانیان برخلاف همه جای خاور نزدیک به امریکا و نوع زندگی آنها علاقه‌مندند.

- یک سال پیش، هنگام حمله امریکا به عراق، ایرانیان زیادی بودند که امیدوار به حمله نظامی امریکا علیه ایران بودند، اما هم‌اکنون این اشتیاق از بین رفته زیرا کسی در ایران آرزوی این نوع آزادی را نمی‌کند.

امریکا با مشکلات زیادی در عراق گریبانگیر شده و همین باعث اطمینان تهران شده است که امریکا به آنها حمله نخواهد کرد.

نگروبوته سفیر جدید واشنگتن در عراق نیز دارای سوابق سرکوبگرانه زیادی می‌باشد؛ از جمله هنگامی که وی سفیر امریکا در هندوراس بود به سازماندهی "کنترها" علیه دولت نیکاراگوئه پرداخت. درحالی‌که سفیر بیش از وی و لیبرال‌های امریکا به شدت به آدم‌ربایی و شکنجه‌های وی انتقاد داشتند، ولی وی توجهی به این اعتراضات نداشت، در عین حال زیرزمین دوستانش پر شده بود از اجساد روی هم انباشته‌شده.

منبع: زودویچه سائتونگ، ۷ می ۲۰۰۴ (۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: رودلف شیملی

### قتل شیخ یاسین به دست اسرائیل

۱. ترور شیخ احمد یاسین اولین و مطمئناً آخرین قتل از دسته قتل‌های گزینشی نیست. از ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۰ تا ۳ مارس ۲۰۰۳، اسرائیل ۳۲۷ قتل گزینشی انجام داده که کشته‌های زیادی به بار آورده از این بین ۱۳۴ مورد یعنی ۴۰ درصد این قتل‌ها غیر نظامیانی بودند که در محل حضور داشتند، از جمله عده زیادی زن و کودک.

۲. بسیاری معتقدند که مرگ یاسین باعث تضعیف حماس نخواهد شد. این اعتقاد حتی در میان اعضای حکومت اسرائیل نیز وجود دارد. وزیر کشور اسرائیل (ابراهیم یوراز) که از مخالفان ترور شیخ احمد یاسین می‌باشد نیز موافق نظر عدم تضعیف حماس بعد از ترور است. وی در یک گردهمایی در کابینه اسرائیل در تأیید این مطلب گفته است از آن می‌ترسم که انگیزه حماس از این لحظه به بعد افزایش یابد.

۳. نویسندگان مقاله ۳ دلیل عمده راهبرد تحریک به‌وسیله قتل‌ها را برشمردند که به آنها اشاره می‌کنیم:

الف - قتل یاسین یک اقدام حساب شده توسط شارون برای تحریک اوگیری جدید خشونت می‌باشد که کمک می‌کند اسرائیل را وادار بر بازگشت به سر میز مذاکره برای آتش‌بس نکند. هدف شارون از ترورها مبارزه با تروریسم نیست، بلکه قصد و نیت وی بهره‌برداری سیاسی است که عمده هدفش استقرار در شهرک‌های یهودی‌نشین است. این اقدام شارون اولین اقدام وی برای نقض آتش‌بس و صلح نیست. در تاریخ ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۱ شارون با ترور شیخ جمال ناصر به آتش‌بس دوماهه حماس پایان داد. در ۲۳ نوامبر ۲۰۰۱ دقیقاً هنگامی که حماس به توافقات نسبی با عرفات رسیده بود که در آن متعهد می‌شد از حمله به اهداف اسرائیل دست بردارد،

ابوحنود رهبر حماس ترور شد. در ۱۴ ژانویه ۲۰۰۲ با ترور رایید کریمی رهبر الفتح آتش‌بس جوخه شهدای الاقصی (بازوی مسلح آن سازمان) متوقف شد. در ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۲ ساعاتی پس از اعلام آتش‌بس یک‌جانبه توسط حماس و مبارزین ملی‌گرا خالد شهید از بنیانگذاران حماس ترور شد. در ۱۰ ژوئن ۲۰۰۳ نیز زمانی که حماس در حال مذاکره با حکومت خودگردان برای یک آتش‌بس بود اسرائیل پس از مرگ شیخ یاسین قصد داشت (عبدالعزیز رتیسسی) را به قتل برساند.

این تاکتیک تحریک‌آمیز شارون در سپتامبر ۲۰۰۲ توسط استیو نیوا (متخصص در امور خاورمیانه) افشا شد. وی عنوان می‌کند که دولت شارون بیشتر نگران عملی کردن برنامه‌های افراطی خود می‌باشد تا جان مردم اسرائیل.

ب - دلیل دیگری را که می‌توان برای قتل یاسین برشمرد، "اوددگرانوت" نویسنده موضوعات عربی کانال یک تلویزیون دولتی اسرائیل فاش ساخت. دولت شارون امیدوار بود که پس از برچیده‌شدن شهرک‌های یهودی‌نشین بر سر کنترل غزه درگیری مسلحانه‌ای بین حماس و الفتح (سازمان عرفات) درگیرد ولی قبل از ترور یاسین این دو گروه در حال مذاکره پیرامون این موضوع بودند و به توافقاتی نیز رسیده بودند.

ج - و آخرین دلیل شارون برای صدور فرمان قتل یاسین، منحرف کردن افکار عمومی اسرائیل از خودش بود. دفتر دادستان کل اسرائیل قصد دارد شارون را به خاطر دریافت پول غیرقانونی در جریان انتخابات توسط "دیوید ایل" میلیونر، محاکمه کند.

- در تاریخ ۲۵ مارس ۲۰۰۶ از شخصیت‌های فلسطینی طی یک بیانیه از حماس و دیگر گروه‌های فلسطینی خواستند که پس از ترور شیخ یاسین دست به حرکت‌های خشونت‌آمیز و



انتقام‌جویانه نزنند، زیرا این به شارون کمک خواهد کرد که جنگ بین اشغال‌گران و اشغال‌شدگان را به جنگ علیه تروریسم وانمود سازد. همچنین خاطر نشان ساختند که اقدام تلافی‌جویانه، مانع از روند نهضت مقاومت مسالمت‌آمیز در برابر ساخت دیوار آپارتاید، که گروه‌های فلسطینی و گروه‌های صلح‌طلب اسرائیلی در آن نقش فعال دارند، می‌شود.

- شیخ یوسف القرادوی، شیخ محبوبی که در برنامه‌های در شبکه الجزیره نقش آفرینی می‌کند، ترور شیخ یاسین را اساس و جوهره برخورد تمدن‌ها می‌داند. زیرا وی معتقد است که شیخ یاسین یک نهاد قدرتمند نه تنها برای فلسطینیان بلکه برای یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون مسلمان است و همه آنها برای وی احترام قائل هستند و به نظر می‌رسد شارون با این حرکت نه تنها علیه فلسطینیان بلکه علیه تمام اسلام به مبارزه برخاسته است.

این همان خواست نومحافظه‌کاران کاخ سفید و متحدین‌شان در حزب لیکود اسرائیل است.

منبع: اما نسر دل نونو وسیلگو، آوریل ۲۰۰۴ (فروردین ۱۳۸۳) نویسنده: هیئت تحریریه

## ایران، حماس و حزب‌الله

۱. گفته می‌شود که بودجه حماس ۳۰ میلیون دلار است و تا تابستان گذشته بیش از نیمی از این منبع توسط عربستان سعودی تأمین می‌شد. اکنون عربستان سعودی برای قطع تأمین مالی حماس، با واشنگتن همکاری می‌کند و حال ایران برای پرکردن خلأ کمک‌های مالی وارد میدان شده است.

۲. ایران نقش فعالی در تأمین

تسلیمات و آموزش نظامی برای حزب‌الله (دست‌نشانده خود در فلسطین) دارد. به‌طور مثال در ژانویه ۲۰۰۰ اسرائیل کشتی کارین - ای را که از ایران به حرکت درآمده و خدمه آن توسط حزب‌الله آموزش دیده بودند بازداشت کرد.

۳. ایران اقدام به تأسیس یک سازمان کاملاً بشردوستانه نموده که فلسطینی‌های مجروح شده توسط اسرائیل را به ایران آورده و سپس تحت آموزش‌هایی به استخدام حزب‌الله درمی‌آورند و برای حمله به اسرائیل به کرانه باختری بازگردانده می‌شوند.

۴. ایران برای تشویق فلسطینی‌ها به منظور حمله به اسرائیل یک نظام انگیزه‌مند مالی به‌وجود آورده است.

منبع: واشنگتن تایمز، ۷ آوریل ۲۰۰۴ (۱۹ فروردین ۱۳۸۳) سرمقاله

## نسخه رفاه به جای دموکراسی؟!؛

۱. پیش‌بینی محافظه‌کاران درست از آب درآمد که مردم مدت‌هاست از اصلاح‌طلبان ناامید شده‌اند، مردمی که در انتخابات پیشین به امید تغییر در تئوکراسی استبدادی به دموکراسی واقعی و تسامح با اقتدار تمام پای صندوق‌های رأی حاضر شدند. حال محافظه‌کاران پس از به بن‌بست رساندن اصلاحات خاتمی و متحدانش، نسخه رفاه را به‌جای دموکراسی برای مردم تجویز کرده‌اند و عده‌ای که اکنون با نام آبادگران ظاهر شده‌اند خواستار تغییر ایران کنونی به ژاپن اسلامی هستند.

۲. بنا به نوشته روزنامه‌های ایران سیاست کنونی محافظه‌کاران الگوی چینی نام دارد. این الگو با اقتصاد

عریض و طویل دادن آزادی‌های اجتماعی بسیار و حفظ اهرم‌های قدرت سیاسی همراه خواهد بود.

۳. در حال حاضر محافظه‌کاران از ایدئولوژی‌های ابتدای انقلاب اسلامی دست برداشته‌اند. دیگر با پوشش غیراسلامی و اختلاط زن و مرد برخورد نمی‌شود، فیلم‌های هالیوودی که زنان خارجی بدون حجاب در آن بازی می‌کنند از تلویزیون به نمایش درمی‌آید. بنا به گفته حمیدرضا ترقی عضو سرشناس حزب محافظه‌کار موفتلفه سی‌دی‌هایی که پیش از این با شرع اسلام مغایر شناخته می‌شد اجازه پخش یافته‌اند و برخوردهای سخت‌گیرانه با پوشش جوانان تعدیل شده است. او ادامه می‌دهد که: "ما آزادی‌های معمول را در جامعه و دانشگاه برای جوانان تأمین می‌کنیم تا آنها بتوانند قدر و قیمت خود را با نحوه لباس پوشیدن و مدل موهایشان و نوع روابطشان ابراز نمایند."

ولی هنوز تفکرات جدید محافظه‌کاران دارای مخالفانی نیز می‌باشد. آنها عناصر مذهبی‌تر تشکیلات محافظه‌کاران می‌باشند. به‌طور مثال آیت‌الله هاشمی شاهرودی یک هفته پس از برگزاری انتخابات خواستار تشکیل سازمان مبارزه با فساد (سازمان امر به معروف و نهی از منکر) شد.

۴. محافظه‌کاران که پی‌برده‌اند تورم، بیکاری، نرخ بالای مسکن، دستمزد پایین معلمان و کارگران و فاصله زیاد بین افراد ثروتمند و فقیر به سرخوردگی عمومی انجامیده است، از لزوم عدالت اجتماعی و مبارزه با فساد سخن می‌گویند که این نیز هنوز مشکلات خود را دارد. جنب سرمایه‌گذاری منوط به حذف موسسه‌های تجاری ناکارآمد دولتی و همچنین بنیادهای نیمه‌دولتی است، و این به معنی

درگیری با افرادی است که با روحانیت حاکم ارتباط نزدیک دارند.

۵. دیگر کسی انتظار ندارد فعالان سیاسی ناراضی از حاکمیت یا سرکوب شدید روبه‌رو شوند، گو این‌که در حال حاضر رهبری مذهبی تعدادی از فعالان دموکراسی را روانه زندان کرده است.

منبع: گاردین، ۵ آوریل ۲۰۰۴

(۱۷ فروردین ۱۳۸۳)

نویسنده: دن دلوس

## رازهای هسته‌ای ایران

۱. ایران بین همکاری کشورهای غربی و سلاح‌های هسته‌ای کدام گزینه را انتخاب خواهد کرد؟ اروپاییان بر سر این مسئله با ایرانیان وارد شرط‌بندی شده‌اند که همکاری نفع بیشتری برای آنها دارد تا درگیری.

۲. ایران در این مدت همکاری خوبی با آژانس انرژی اتمی نداشته (که این باعث می‌شود ناپهنگامی بازدیدها دچار خدشه شود) و یا به بازرسان اجازه استفاده از دوربین‌ها و دستگاه‌های الکتریکی اندازه‌گیری در کارگاه‌های نظامی که دستگاه ساتروفز وجود دارد را نمی‌دهد.

۳. افکار عمومی جهان به خصوص آژانس انرژی اتمی هنوز منتظر پاسخ تهران پیرامون کشف اورانیوم بسیار غنی شده ۳۶ درصد که درصد خاص رآکتورهای روسیه است و همچنین به میزان ۸۰ درصد که بسیار نزدیک به کیفیت نظامی است، می‌باشد.

۴. تندروهای حاکم در کاخ سفید معروف به عقاب‌های دولت بوش توصیه می‌کنند که آژانس بهتر است برای حفظ اعتبار خود، پرونده ایران را به شورای امنیت سازمان ملل ارسال نماید.

۵. اروپاییان برخلاف امریکایی‌ها معتقد به ادامه گفت‌وگو با تهران هستند تا قطع آن. آنها یک‌بار این اشتباه را در مورد کره شمالی کردند و دیدند که پس از ارسال پرونده کره به شورای امنیت نه تنها وضع بهتر نشد بلکه پس از آن دست به شانتاژ هسته‌ای زد تا بتواند از جوامع بین‌المللی امتیاز کسب کند.

۶. سیاستمداران بسیاری که درگیر انتقال قدرت در عراق هستند، برخلاف تندروهای کاخ سفید که اعتقاد به راهبرد تهاجمی با هدف براندازی حکومت تهران دارند متوجه نقش بسیار روشن ایران در نفوذشان در میان شیعیان عراق هستند که در ادامه روند قدرت می‌تواند آنها را یاری رساند.

منبع: لوموند، ۸ آوریل ۲۰۰۴

(۲۰ فروردین ۱۳۸۳)

نویسنده: ژول استولتر

### نظر تان درباره ایران چیست؟

۱. هیچ‌کس تاکنون سیاست قطعی برای مقابله با کشور دینی‌ای که بر ویرانه‌های امپراتوری پارس بنا نهاده شده، در دست ندارد. آلمان، فرانسه و بریتانیا نیز پس از مذاکره پیرامون تولید سلاح‌های هسته‌ای ایران به همین نتیجه رسیده‌اند. آنها می‌گویند با وجود موضع صریح تهران، باز هم آنها (ایرانیان) دروغ می‌گویند.

۲. دیپلماسی قهقریایی درقبال تهران از آنجا ناشی می‌شود که آمریکا نتوانسته سیاستی پایدار درقبال تهران اتخاذ نماید تا از این طریق مانع از انجام بدترین اقدامات تهران و یا تشویق کننده انجام بهترین اقداماتشان باشد.

منبع: واشنگتن پست، ۱۲ آوریل ۲۰۰۴

(۲۴ فروردین ۱۳۸۳)

نویسنده: جیم هوگلدن

### بحران هویت

- حسین شریعتمداری - نماینده رهبر انقلاب و رئیس گروه نشریات کیهان - می‌گوید: مأموریت وی و همفکرانش در ایران "بنیادگرایی" است. او می‌گوید: "متأسفانه واژه بنیادگرایی توسط بن‌لادن بدنام شده است. بنیادگرایی در واقع فقط به معنای یک زندگی ساده براساس اصول اسلام و تقسیم عادلانه منابع و ذخایر است." یک کتابفروش در شیراز در برخورد با نویسنده با حالتی غمزده می‌گوید: "ما دچار بحران هویت شده‌ایم. ما مسلمانیم، اما عرب نیستیم، آسیایی هستیم، اما نگاهمان متوجه اروپاست."

منبع: نوبی سورش سائیتونگ، ۱۸ آوریل

۲۰۰۴ (۳۰ فروردین ۱۳۸۳)

نویسنده: کریستف پلاته

### نگاهی ایزاری به مجاهدین خلق

- سازمان مجاهدین خلق با آن‌که موضع خود را دموکراتیزه کردن ایران عنوان نموده‌اند، اما عملکرد و سابقه ۲۹ ساله آنها، توانمندی یا قصد دموکراتیک بودن آنها را به اثبات نمی‌رساند.

- تحلیلگران در واشنگتن معتقدند، باید از سازمان مجاهدین خلق همانند نیروهای متحد شمال که برای سرنگونی طالبان مورد بهره‌برداری قرار گرفتند، برای تضعیف جمهوری اسلامی مورد استفاده قرار گیرند.

منبع: نشنال پست، ۱۷ آوریل ۲۰۰۴

(۲۹ فروردین ۱۳۸۳)

نویسنده: استوارت پل

### آیا این معامله عملی می‌شود؟

ایران از طریق سفیر سوئیس (حافظ

منافع آمریکا در تهران) سه پیش شرط برای حل اختلافات دو کشور (ایران و آمریکا) پیشنهاد نموده است. این شرط‌ها عبارتند از: ۱. رفع نگرانی آمریکا در مورد سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی توسط تهران. ۲. هماهنگ کردن سیاست ایران با آمریکا در عراق. ۳. پذیرش دو کشور اسرائیل و فلسطین و دستیابی به راه‌حلی برای رفع مناقشات این دو. در برابر این سه پیش شرط انعطاف یافته، آمریکا بایستی تعهدات زیر را بپذیرد: ۱. رفع تحریم‌ها علیه ایران. ۲. شناسایی مصالح امنیت ایران از طرف آمریکا. ۳. کنارگذاشتن تهدید محور شرارت دایر بر تغییر رژیم ایران.

این معامله از جانب محافظه‌کاران جدید یعنی حاکمیت آمریکا پذیرفته نشد و به "تیم گلدی من" سفیر سوئیس هشدار دادند که یا را از حد خود فراتر نگذارند. این تئوکان‌های ناراضی عبارتند از: کالین پاول، ریچارد آرمیتاژ، کوندالیزاریس، رابرت بلک ویل طراح استراتژی برای خاورمیانه زیر نظر رایس، توماس پیکلرینگ سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل، برنت اسکروکرافت مشاور امنیت ملی زیر نظر جورج بوش، دونالد رامسفلد و بالاخره روثل گرت کارشناس امور ایران در موسسه امریکن اینترپرایز.

گفتنی است که اولاً تحریم‌های آمریکا در مورد ایران مقوله‌ای است شکست خورده، ثانیاً حمله نظامی آمریکا علیه ایران متصور نیست، چرا که آمریکا افراد نظامی واجد شرایط به اندازه کافی برای حمله به ایران ندارد و تعداد نظامیان آن کشور در عراق هم از ۱۳۰ هزار نفر تجاوز نمی‌کند. ثالثاً ایران بازرسی سرزده بازرسان آژانس بین‌المللی را در هر زمان و مکان پذیرفته است. بنابراین آمریکا انگیزه‌ای برای اقدام نداشته و راهی جز صبر

کردن ندارد.

منبع: واشنگتن ریپورت آن میدل ایست افزر، می ۲۰۰۴ (اردیبهشت ۱۳۸۳)  
نویسنده: اندرو کیل گور

### ایران و آمریکا، اتحاد در عمل

گرچه صدور انقلاب ایران به دلیل شیعه‌گرایی آن شکست خورده، ولی صدور انقلابی جدید مرکب از سنی‌گرایی رادیکال و ملی‌گرایی عرب رو به رشد است. ایران هم با حمایت از حماس و جهاد اسلامی فلسطین شکست خود را جبران نموده است.

سیاست جدید ایران برای پایان دادن

به انزوای خود به شرح زیر می‌باشد:

۱. تبدیل شدن به بزرگ‌ترین قدرت منطقه. ۲. کاهش دادن حضور آمریکا در منطقه، البته با متقاعد کردن کشورهای عرب. ۳. راهبرد عدم درگیری همه جانبه، با مدیریت مصلحت‌جویانه تنش‌ها. ۴. تبدیل شدن به بازیگر غیرقابل دور زدن در منطقه.

آمریکا به جای محدود کردن جاه طلبی‌های ایران، به جنگ با دشمنان ایران پرداخت؛ مثل جنگ و درگیری با بن‌لادن و طالبان، صدام حسین و ملی‌گرایی عرب. در این راستا بود که آمریکا در عمل با ایران متحد شد.

منافع ایران در عراق برقراری دموکراسی از طریق نقش عمده شیعیان، بدون کردستان مستقل و بدون تهدید جدی نظامی از جانب عراق است.

منبع: فیگارو، ۳۰ آوریل ۲۰۰۴

(۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۳)

نویسنده: اولیویه روا